



Human Natural Structure in the Holy Qur'an and Its Application in Educational Fields on the Basis of the Fundamental Transformation of Education Document

Zahra Kiaei –

Fariborz Bagheri —

Khadijeh Abolm'ali Al-Hosseini —

Abstract

This study is aimed at the application of the fundamental transformation document in educational fields by adapting it to the map of "man in the Qur'an" in order to guide learners to the ultimate goals of the educational fields. The research is conducted by a qualitative content analysis of the Holy Qur'an and the educational fields in fundamental transformation document. The statistical population of the research included verses of the Holy Quran, interpretations and related research works, as well as the fundamental transformation document from which a sample of 2470 verses (analysis units) describing human nature were selected by purposive sampling method. In the same way, the analytical units describing the goals of educational fields were identified from the document and the data from both sources were analyzed inductively. Accordingly, a theoretical framework of the human structure in the Holy Qur'an was drawn by focusing on the heart, on which the units of analysis of educational fields were adapted. The results showed that achievement of the goals of each educational field depends on the consideration of the excellence, development and growth of learners in the related structures of human map in the Holy Qur'an. They were presented in separate categories, and the criteria-based applied system for the realization of excellent life was presented to the educators and learners.

Keywords: *Fundamental Transformation Document, the natural structure of human, experimental anthropology, Qur'anic anthropology, Islamic education.*

– PhD candidate in general psychology, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran

— Corresponding author: associate professor at the Department of Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran. f.bagheri@srbiau.ac.ir

— Associate professor at the Department of Psychology, Islamic Azad University of Roodhen, Tehran, Iran

ساختار وجودی انسان در قرآن و کاربرد آن در ساحات تربیتی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

زهرا کیایی -

خدیجه ابوالمعالی الحسینی -

فریبرز باقری -

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۰۸

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

چکیده

پژوهش فعلی با هدف کاربردی کردن ساحات تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با تطبیق بر نقشه انسان در قرآن انجام گرفت تا بتوان متریبان را به اهداف نهایی ساحات تربیتی سوق داد. پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی قرآن و ساحات تربیتی در سند تحول بنیادین انجام گرفت. جامعه آماری، قرآن، تفاسیر و مجموعه پژوهش‌های مرتبط و سند تحول بنیادین و نمونه آماری ۲۴۷۰ آیه (واحد تحلیل) توصیف‌کننده وجود انسان از قرآن بود که با نمونه‌گیری هدف‌مند استخراج شد و با همین روش واحدهای تحلیلی توصیف‌گر اهداف ساحات تربیتی از سند تحول استخراج و داده‌های هردو به روش استقرایی تحلیل شدند. براین اساس، چهارچوب نظری از نقشه انسان در قرآن به محوریت قلب ارائه شد که واحدهای تحلیل ساحات تربیتی بر آن تطبیق یافت. نتایج نشان داد که دستیابی به اهداف هر یک از ساحات تربیتی، وابسته به در نظر گرفتن تعالی، توسعه و رشد متریبان در ساختارهای وجودی مرتبط با آن در نقشه انسان در قرآن است که در قالب الگوهای مجزا ارائه شد و آن نظام معیاری کاربردی را در جهت تحقق حیات طیبه در اختیار مریبان و متریبان قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سند تحول بنیادین؛ ساختار وجودی انسان؛ انسان‌شناسی تجربی؛ انسان‌شناسی قرآنی؛ تعلیم و تربیت اسلامی

* دکترای رشته روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

f.bagheri@srbiau.ac.ir

*** دانشیار گروه روانشناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

نظریات علمی بیش از آنکه متأثر از واقعیت باشند، به تصور نظریه پردازان از واقعیت وابسته هستند (کوهن^۱، ۱۹۷۰، به نقل از باقری، ۱۳۹۱: ۵۳) این تصورات بنیادی در "سخت هسته"^۲ واقع شده و نظریه پرداز آن را غیرقابل ابطال می‌داند و دور از دسترس شواهد مخالف قرار می‌دهد (لاکاتوس^۳، ۱۹۷۰، به نقل از باقری، ۱۳۸۳: ۵۸). براساس تلاش‌هایی که نظریه پردازان در دهه‌های هفتم و هشتم قرن بیستم برای کشف مهم‌ترین این تصورات و مفروضات بنیادی انجام دادند آنها را پیرامون جهان و انسان یافتند. منظور از جهان‌بینی^۴ باورهای مربوط به ساختار و نحوه کارکرد جهان است (ویدال^۵، ۲۰۰۸: ۳) و انسان‌شناسی باورهای مربوط به ساختار انسان، نحوه کارکرد او و جایگاه او در هستی است (باقری، ۱۳۹۱، ۵۶). بسیاری از امور به تصویری که ما از ماهیت انسان داریم بستگی دارد؛ مثل اینکه ما باید چه چیزی انجام دهیم یا ندهیم، غایت و هدف از زندگی چه باید باشد و از این قبیل (استیونسون و هابرماس^۶، ۱۹۹۸).

با حاکمیت ماشین‌گرایی به‌عنوان روح زمان قرن‌های هفدهم تا نوزدهم (شولتز و شولتز^۷، ۱۹۹۶: ۳۲) و گسترش رد پای فیلسوفانی چون مارکس و داروین در آثار سایر دانشمندان علوم انسانی حاکمیت نگرش مادی‌گرایی در شناخت انسان محقق شد (کیایی و باقری، ۱۳۹۲: ۶). این امر سبب قرابت بیشتر انسان با طبیعت و به‌ویژه حیوانات و شکسته شدن تقدسی شد که تا پیش از آن برای انسان در نگاه مسیحیت و بسیاری از فلاسفه محاسبه می‌کردند و به تدریج با حاکم شدن تجربه‌گرایی^۸، تحقیقات برای شناخت ماهیت انسان از نظریه‌پردازی فلسفی فاصله گرفت و در مرحله تجربه‌گرایی با تمرکز بر بررسی رفتار حیوانات و انطباق آن با ویژگی‌های انسانی انجام شد که از جمله می‌توان به پژوهش‌های ثرندایک^۹، اسکینر^{۱۰}، پائولوف^{۱۱} اشاره کرد (السون و

1. Thomas Cohen
2. Hord core
3. Imre Lakatos
4. World-view or World outlook
5. Vidal
6. Stevenson, Leslie & Haberman, David
7. Schultz & Schultz
8. Positivism
9. Edward Lee Thorndike
10. Frederic Skinner
11. Ivan Petrovich Pavlov

هرگنهان، ۲۰۰۹: ۹۶).

امروزه میان دانشمندان علوم انسانی با دو مشکل عمده مواجهیم: نخست آنکه تصویر این نظریه پردازان از انسان (انسان‌شناسی) اساس ماتریالیستی و داروینیستی (حیوانی) دارد که خود سبب یکجانبه‌نگری آنها در روان‌شناختی و انسان‌شناسی و به دنبال آن نقص و انحراف در نقشه آنها از انسان می‌شود (زارعان و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۶) و دوم آنکه فاقد جامع‌نگری متناسب با وجود انسانی است که بدون در نظر گرفتن بعد معنوی و تمرکز هریک از نظریه‌پردازان بر بعدی از ابعاد وجود مادی انسان است و این امر سبب ارائه نقشه‌هایی از انسان شده که با تعددی نزدیک به تشتت مواجه است (خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹: ۵۱ - ۵۲) و پیامد آن تعلیم و تربیتی با حداقل کارآمدی است (گلسر، ۱۹۹۹: ۲۳۴؛ گلسر، ۲۰۱۰: ۳۰).

انسان‌شناسی الهی برگرفته از ادیان اما بر هر دو حوزه وجود مادی و روحانی و با تمرکز بر بعد روحانی انسان تأکید دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، به نقل از خسروپناه، ۱۳۸۹: ۴۲) و همان‌طور که در تفسیر آیاتی چون ۳۱ - ۳۳ سوره بقره آمده است، به سبب برتری علمی وجودی حتی والاتر از فرشتگان برای انسان قائل است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۴۸). این انسان‌شناسی از جامعیت و یکپارچگی بیشتری برخوردار است، اما در این بخش نیز دو مشکل عمده وجود دارد: نخست تحریف ادیان مسیحیت و یهود؛ یا بشرساخت بودن این ادیان یا سایر ادیانی چون بودیسم^۱ و تائوئیسم^۲ و در نتیجه ابتلایشان به آفاتی چون تثلیث^۳ در غرب و ثنویت^۴ در شرق است؛ و دوم که مربوط به نگاه توحیدی و اسلامی است، نبود نقشه‌ای یکپارچه و جامع و البته کاربردی از وجود آدمی که مورد اتفاق و رجوع تمامی علمای این حوزه قرار گیرد و ارائه‌دهنده راهکارهای عینی و عملیاتی در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان از جمله تعلیم و تربیت به‌عنوان اساس انسان‌سازی و جامعه‌سازی باشد.

با چنین انسان‌شناسی‌هایی هر طرح و هدف آموزشی و تربیتی برای سلامت و سعادت انسان، عملیاتی ناموفق در سطحی است که بنیان‌های ویران دارد و شاهد این مدعا گسترش روزافزون بیماری‌های روان و آسیب‌های اجتماعی است که "ریچارد واتسون"^۵ پژوهشگر "مؤسسه

1. Buddhism
2. Taoism-DaoJiao
3. Trinity
4. Dualism
5. Richard watson

آینده‌پژوهی رند^۱ در امریکا آن را در قالب آسیب‌های فردی و اجتماعی تا سال ۲۰۵۰ میلادی پیش‌بینی کرده^۲ و وخیم و نگران‌کننده نامیده است؛ آسیب‌هایی که امروز هم، به آسانی قابل لمس و بحران‌زاست و در صدر آنها فردیت و تنهایی^۳، افسردگی^۴، اضطراب^۵، پیری^۶، خیانت^۷، بدهی^۸ و تغییرات آب‌وهوایی^۹ (آسیب‌های زیست‌محیطی) وجود دارد (واتسون، ۲۰۱۰: ۵۰)؛ چراکه نگرش‌های غلط تربیتی سبب کاهش سطح سلامت روانی و اجتماعی متریان می‌شود (ساربان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

نظام آموزش و پرورش موجود در ایران نیز دنباله همان نظام تعلیم و تربیت جهانی و بنابراین کهنه، وارداتی، تقلیدی و غربی بوده و خروجی آن نه تنها با اهداف تعلیم و تربیت مورد نظر فاصله دارد، بلکه بعضاً مبتلا به همان آسیب‌هایی است که گریبانگیر جوامع غربی شده است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۱۹۶). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در آذر ماه ۱۳۹۰ در جهت اصلاح و حل همین مشکلات تدوین شد نیز چنین اذعان می‌کند که "تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از ساحت‌های وجودی انسان به عمل آمده که هیچ‌یک جامع و مانع نیست و اعتباری و نسبی‌اند ولی آنچه واقعیت دارد وحدت و یکپارچگی وجود آدمی است" و این چنین نیاز به داشتن تصویری یکپارچه از وجود انسان را گوشزد می‌کند (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۹۵) تا بتوان او را به هدف غایی حیات طیبه با همه ابعاد فردی و اجتماعی و شئون گوناگون اعتقادی و عبادی و اخلاقی‌اش و همراه با آسایش و آرامش و رها شده از آسیب‌ها هدایت نمود (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۹۰، ۱۴۹).

باتوجه به ابعاد مختلف وجود انسان تحقق مفهوم تربیت در سند تحول بنیادین، با در نظر گرفتن تحول تمام ابعاد وجودی انسان و شئون مختلف حیات طیبه؛ بیان شده است و از این رو اهداف تربیت را در ۶ ساحت اعتقادی - عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساحت تربیت

1. Rand futures studies
2. Future Files A Brief History of the Next 50 Years
3. Individualism
4. Depress
5. Anxiety
6. Ageing
7. Intimacy
8. Debt
9. Environmental change

زیستی و بدنی، ساحات تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، ساحات تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و ساحات تربیت علمی و فناوری معرفی و دنبال می‌کند (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۹۸).

پیشینه پژوهشی

پیرامون اهمیت انسان‌شناسی در تحقق اهداف تربیتی پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ شعبانی و رکی (۱۳۹۶) به بررسی انسان‌شناسی و کاربرد آن در تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که از دیدگاه امام خمینی تعلیم و تربیت و هر اقدام دیگری باید نقطه آغازش انسان باشد و انسان فطرتاً پاک است و وظیفه بالندگی آن برعهده دستگاه تربیتی است. بنابراین هدف غایی دستگاه تربیتی شکوفایی استعدادها و کیفیات فطری به‌منظور تقرب به کمال مطلوب یعنی خداست.

ماهانی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در بررسی انسان‌شناسی حافظ و کاربرد آن در تعلیم و تربیت؛ ویژگی‌های انسان و اهداف تربیتی حافظ را با آموزه‌های اسلامی منطبق می‌شمرد و هدف نهایی تربیت را در دیدگاه حافظ طی کردن مدارج کمال و دستیابی به جام جم برشمرده است که در این حالت انسان مظهر صفات الهی و خداگونه خواهد شد.

ایمانی و کرامتی (۱۳۸۶) در تبیین و نقد نظریه انسان برتر نیچه و دلالت‌های تربیتی آن در تعلیم و تربیت با توجه به اینکه هدف نهایی تربیت را در دیدگاه نیچه، ارتقای انسان به مقام انسان برتر توصیف می‌کند، روش‌های تربیتی مورد تأکید او را که اثر گرفته از این نگاه انسان‌شناسی است، خودکنترلی، تفکر انتقادی، پرورش متوازن توانمندی‌ها و استعدادها و انجام فعالیت‌های مورد علاقه عنوان می‌کند.

متقی و نجفی (۱۳۹۳) در بررسی چهارچوب نظام تعلیم و تربیت در انسان‌شناسی براساس اندیشه‌های علامه محمدتقی جعفری مراتب نظام تعلیم و تربیت او را برگرفته از پاسخ او به سؤالات اساسی انسان‌شناسی در محور ارتباطات چهارگانه انسان با خود، با خدا، با جهان و با دیگران توصیف می‌کند که اصول تربیتی او را در شخصیت انسان، فرایند تربیت تدریجی، توازن احساس و عقل، یادگیری اجتماعی و فرهنگی و ارزش محوری شکل می‌دهد.

مزیدی و شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۸) در بررسی مبانی وجودشناسی و انسان‌شناسی روش‌های تربیتی

انسان از دیدگاه قرآن و سیره پیامبر اعظم (ص) ویژگی‌های انسان از منظر اسلامی را خصوصیت تکاملی، عقل، آزادی، خودآگاهی و هدف زندگی اش برمی‌شمرد و در نهایت برنامه‌های درسی و محتوای نظام تربیت معلم کشور و نیز محتوای کتب آموزشی مدارس را نیازمند تحولی منطبق بر انسان‌شناسی اسلامی می‌داند.

چنانچه ملاحظه می‌شود همگی بر اساسی بودن انسان‌شناسی در فرایند آموزشی و تربیتی صحه می‌گذارند، اما هنوز به‌طور مشخص و عینی و البته یکپارچه معلوم نیست که این انسان‌شناسی شامل چه اجزایی است یا به‌عبارت‌دیگر انسان موردنظر اسلام به شکلی کاربردی و عینی کیست؟ "اهداف تربیتی" باید مبتنی بر مفروضات "انسان‌شناسی" مشخص شوند (امام خمینی؛ به نقل از شعبانی ورکی، ۱۳۹۶) که پیرامون ارتباط این دو اندیشمندان اسلامی از گذشته چون فارابی و ابن سینا و غزالی تا بزرگان امروزی چون امام خمینی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله جوادی آملی، مطهری و سایرین صاحب نظرات جامع و گسترده‌ای هستند، اما درونمایه این پژوهش‌ها توصیفی و نظری است و در این پژوهش محققین نتوانستند مطالعاتی را بیابند که ضمن رجوع به آناتومی عینی و یکپارچه از ساختار وجودی انسان؛ نقشه‌ای آسان و عینی را به مریبان ارائه کند تا آنان بتوانند با در دست داشتن آن، اصول تربیتی موردنظر دانشمندان مسلمان و محققان اسلامی را عملیاتی کنند تا پس از گذشت صدها سال از سخنان و مفهوم‌پردازی‌ها عبور کرده به کاربرد علمی و عملیاتی انسان‌شناسی الهی در تربیت انسان به‌سوی حیات طیبه پردازیم.

اکنون به دلیل مفروضات انسان‌شناسی متعدد و فقدان تصویر یکپارچه و واحد از ساختار وجودی انسان و البته مصور که کمک‌کننده به این وحدت است؛ مریبان و متریان هرچند متنی یکسان از مبانی نظری تحول بنیادین و ساحات تربیتی آن را آموزش می‌بینند و مطالعه می‌نمایند، اما ادراکاتی متناسب با انسان‌شناسی‌های متشتت خود و پیامد آن اجرا و عملکردی متناسب با آن دارند و از همین رو، هرچند آموزش‌هایی گسترده در جهت آشنایی مریبان با اسنادی این‌چنینی ارائه شود، اما بازهم ادراک‌ها مبتنی بر انسان‌شناسی‌هاست و آنان قادر نخواهند بود با اهداف متعالی و کلان ساحات تربیتی آشنا شده و در جهت آن انگیزه‌مند و پویا باشند. بنابراین مریبان بیش از هر چیز این دستورالعمل‌ها را سطحی و فرمایشی در نظر گرفته و تنها به اجرای سلیقه‌ای، ظاهری و پاسخ‌های بخشنامه‌ای محدود می‌کنند و پرواضح است این امر خود بزرگ‌ترین مانع در کاربردی کردن اهداف تربیتی است.

از همین رو، پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از قرآن کتاب الهی و فاقد تحریف و نظریات اندیشمندان مسلمان (المیزان آیت‌الله طباطبایی، تفسیر نور آیت‌الله قرائی، تفسیر تسنیم آیت‌الله جوادی آملی و تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی) و همین‌طور محصول پژوهش‌های محققان اسلامی به ارائه نقشه‌ای عینی از ساختار وجودی انسان پردازد و سپس با تکیه بر آن به معرفی روند کاربردی اجرایی کردن ساحات تربیتی شش‌گانه در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش پردازد.

روش

این پژوهش بر مبنای روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه تحلیل و تفسیر مفهومی از متن قرآن و تفاسیر انجام گرفت (تحلیل متن^۱). در جهت رسیدن به یک مدل کاربردی از نقشه انسان در قرآن، در این بخش جامعه آماری مجموعه آیات قرآن کریم، تفاسیر و پژوهش‌های مرتبط است که به شیوه "نمونه‌گیری هدف‌مند" به استخراج واحدهای معنایی پرداخته شد که به توصیف ساختار وجودی انسان می‌پرداخت و سپس به روش "استقرایی" مدل نظری نقشه انسان در قرآن ارائه شد. روش استقرایی در تحلیل محتوای کیفی در برابر روش قیاسی در تحلیل محتوای کمی قرار می‌گیرد که پژوهشگر از طریق غرق شدن در داده‌ها؛ می‌تواند به شیوه استقرایی مقولات جدیدی را کشف کند (مایرز و هابرمین^۲، ۱۹۹۰؛ به نقل از ابوالمعالی، ۱۳۹۲: ۹۲). به این ترتیب، مفاهیم، مضامین و مقولات به‌طور عمده با استفاده از تحلیل استقرایی از متون مورد مطالعه استخراج می‌شود (ابوالمعالی، ۱۳۹۲: ۹۲). به منظور دستیابی به مدل کاربردی از نقشه انسان در قرآن؛ بر اساس نمونه به‌دست آمده با استفاده از نمونه‌گیری هدف‌مند شامل ۲۴۷۰ آیه توصیف‌کننده وجود انسان در قرآن و سپس مراجعه به معنای واژگان استخراجی و تفاسیر و پژوهش‌های مرتبط با آنها (قاموس قرآن و فروق فی لغه عسگری و ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن و تفاسیر المیزان و نمونه و بعضاً تسنیم و نور) جدولی از واژگان توصیفی و تعاریف مختصر آنها به‌دست آمد که در اختیار سه نفر از قرآن‌پژوهان قرار گرفت تا به طبقه‌بندی و مشخص کردن جایگاه این واژگان در نسبت با یکدیگر پردازند و به‌طور مختصر در این پژوهش در قالب جداول (۱ و ۲) نمایش داده می‌شود. در نهایت

1. Text analysis
2. Miles and Huberman

پس از مکاتبات و مصاحبه کیفی و چندمرحله‌ای با قرآن‌پژوهان تا حصول نتیجه مورد توافق، واژگان استخراجی در طبقه‌بندی و نسبت‌های مناسب در نقشه‌ای براساس چارچوب پرورش مادی (ربوبیت مادی) و پرورش معنوی (ربوبیت معنوی) تعبیه شد. حوزه مادی و حیوانی انسان در اشتراک با سایر موجودات و حیوانات است، اما بخش معنوی که به‌واقع همان انسانیت انسان قلمداد می‌شود، با توجه به تعاریف قرآنی و تشابه‌ها و تمایزاتشان در ۵ طبقه ساحت، حالت، قوت، نهایت و غایت در سه حوزه روندگرا، کارکردگرا و محصول‌گرا و در سه محور توسعه، تعالی و رشد قرار گرفت (که توضیح و چگونگی آنها در بخش یافته‌ها خواهد آمد). به‌این ترتیب که اجزای قلب ساحت‌های وجود انسان، طبقاتی که به بیان حالت‌های انسان چون فرح و حزن و غیره می‌پرداختند در طبقه حالت، طبقات که به بیان قوای انسان چون قوه شهویه، غضبیه، رجایه و سایرین می‌پرداختند در طبقه قوا، نفوس انسان چون نفس اماره و مزینه و مطمئنه و سایرین در طبقه نهایت و محصول‌نهایی هر ساحت شامل تسلیم، مونس، موقن، محسن و سایرین در طبقه غایت قرار گرفتند. به‌این ترتیب، برای پاسخگویی به این سؤال که ابعاد کاربردی ساختار وجودی انسان در قرآن در ساحت تربیتی سند آموزش و پرورش چیست؟ نخست باید به این سؤال پاسخ داده می‌شد که وجود انسان در قرآن با چه واژه یا واژگانی توصیف شده است؟ این وجود شامل چه اجزایی است و روابطشان با یکدیگر کدام است؟ بدایت و نهایت و غایت آن چیست؟ توسعه و تعالی و رشد براساس چه روندی است و کارکرد و محصول آن کدام است؟

در مرحله پایانی و برای پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش، «مبانی نظری سند تحول بنیادین» با تمرکز بر «ساحت تربیتی» به همان شیوه تحلیل محتوای کیفی بررسی و اهداف تربیتی این ساحت که به شکل مستقیم در سند تحول بنیادین بیان شده بود؛ سازماندهی و در جدولی گرد هم آمد (مختصر آن در جدول ۳). پس هر جمله حاوی یک هدف تربیتی به‌عنوان واحد تحلیل (واحد معنایی) در نظر گرفته شد و مبتنی بر "روش تحلیل محتوای عرفی که یکی از رهیافت‌ها در زمینه تحلیل محتواست" (شی یه و شانون^۱، ۲۰۰۵؛ به‌نقل از صرفی، ۱۳۹۷: ۸۶) به سازماندهی متن در قالب دسته‌بندی‌های کوچکتر با محوریت «حیات طیبه» به‌منزله هدف نهایی ساحت تربیتی پرداخته شد. آنگاه به تبیین پیوند بین واحدهای معنایی مرتبط با هر ساحت تربیتی با اجزا و لایه‌های نقشه انسان در قرآن پرداخته شد.

یافته‌ها

در مجموع ۲۴۷۰ آیه که به شکل مستقیم به توصیف ساختارهای وجودی انسان در قرآن می‌پرداخت، استخراج شد که از آن میان واژگان توصیفی انسان استخراج گردید. جدول ۱ این واژگان و فراوانی آنها در قرآن را نشان می‌دهد و در جدول ۲ از میان ۲۴۷۰ آیه استخراجی در برابر هر واژه توصیفی وجود انسان یک یا چند آیه را به‌عنوان نمونه نشان می‌دهد:

جدول ۱. فراوانی واژگان استخراجی در توصیف ساختار وجودی انسان در قرآن

فراوانی	نام طبقه	فراوانی	نام طبقه
۱	نفس اماره	۱۱ - ۵	حرث-ذراً
۶۵ مرتبه به کسر	تأنیس/ انسان/ مونس	۴۴	نشأت
۱۶۸	قلب	۱۸	تراب
۶۰	ایمان	۱۲	نطفه
۲۰۰	مؤمن	۲	سؤیت
۵۳/۲۸	یقین/ ایقان/ موقن	۱۸	نفخت
۱۵/۳۱۰	کفر/ شک	۱	فطرت
۳/۳/۲	سلیم/ منیب/ ربط	۴۳	صدر
۵/۷/۲۴	مریض/ قسی/ رعب	۲۱	فرح
از ریشه عقل ۴۹	عقلیه	۴۲	حزن
از ریشه فکر ۱۸	فکریه	۵	شرح
۱	نفس ملهمه (عاقله)	۷	ضیق
۱۶	فؤاد	۲۸	رجائیه
۲۴۷	حق	۳۰	خوفیه
۳۶	باطل	۳	نفس مسوله
۲	فراغت	۱	نفس لوامه
۱۷/۲	اشغال/ هواء	۴۲/۸/۳	تسلیم/ اسلام/ مسلم
۴۵	رؤیت	۱	شغاف
۳۳	اعمی	۸۳	حب
۲۳۱ از ریشه ولی	تولی	۹	بغض
۲۱	لبابیه	۳۱ از ریشه بره	تبری
۱	نفس مطمئنه	۱۳	شهوویه
۱	ایقاظ/ موقظ	۲۴	غضبیه
۳۹/۳۴	احسان/ محسن	-	نفس مزینه
		۵۰/۲۵۶	ذکریه/ تذکر

جدول ٢. واژگان استخراجی وجود و روان انسان و نمونه آیات

ردیف	طبقات	نمونه آیات
١	حرث - ذرا	سعى فى الأرض ليؤسدها فيها ويهلك الحرث والنسل (بقره/٢٠٥). رُئِنَ لِلنَّاسِ حُبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ النِّبَنِ وَ القَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الفِضَّةِ وَ الخَلِيلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ النَّعَامِ وَ الحرثِ ذلك متاع الحياة الدنيا وَ اللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (آل عمران/١٤)؛ وَ هُوَ الَّذِى ذَرَأَكُمْ فى الأَرْضِ وَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (مؤمنون/٧٩):
٢	نشأت	وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ النِّشْأَةَ الْأُولَى ۚ قَالُوا لَوْلَا نَذَرْنَا لَوْلَا نَذَرْنَا (واقعه/٦٢) قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِى أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (يس/٧٩) ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ، فَتَبَارَكَ اللَّهُ خَالِقَ الْخَالِقِينَ، (مؤمنون/١٤)
٣	تراب	أَكْفَرْتُم بِالَّذِى خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ (كهف: ٣٧): خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ (روم/٢٠)؛
٤	خلقت	وَمَا خَلَقْتِ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاريات/٥٦) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فى أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (نبن/٤) وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ (سجده/٩) وَ قَدْ خَلَقْتَكُمْ مِنْ قَبْلُ، وَ لَمْ تَكُنْ شَيْئًا (مريم/٩)
٥	نطفه	خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (نحل/٤) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ (حجر/٢٦)
٦	سوتوته و نفخت	فَإِذَا "سَوَّيْتَهُ" وَ "نَفَخْتَ" فِيهِ مِنْ رُوحِ فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (ص، آيه ٧٩؛ حجر، آيه ٢٩) ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ (سجده/٩)
٧	فطرت	فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِى فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكِ الدِّينَ الْقِيمُ ۗ وَلَٰكِن أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم/٣٠)
٨	صدر	فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ۗ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فى السَّمَاءِ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (انعام/١٢٥)؛ قُلْ إِنْ تَحْفَوا ما فى صُدُورِكُمْ أَوْ تُبَدِّلُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ... (آل عمران/٢٩)؛ كِتَابٌ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فى صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُبَدِّلَ بِهِ وَ ذَكَرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (اعراف/٢)؛ وَ نَزَّلْنَا ما فى صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (حجر/٤٧) وَ ...
٩	شرح	أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (شرح/١)؛ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (طه/٢٥)
١٠	ضيق	وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فى السَّمَاءِ (انعام/١٢٥). وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ تَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ (حجر/٩٧)؛ وَ اصْبِرْ وَ ما صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَكُ فى ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ (نحل/١٢٧)؛ وَ يَضِيقُ صَدْرِي وَ لَا يَنْطَلِقُ لِسانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ (شعرا/١٣).
١١	فرح	فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فى سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لََّا تَنْفِرُوا فى الْحَرْبِ ۗ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا ۗ لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (توبه/٨١)؛ وَ يَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ (روم/٤) قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ قَدِ انقَضَى وَ هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (يونس/٥٨)؛ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (مؤمنون/٥٢)...
١٢	حزن	وَ تَوَلَّى ۚ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَى ۚ عَلَى ۚ يُوسُفَ وَ ابْتِضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ (يوسف/٨٤)؛ بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَ جَهَنَّمَ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره/١١٢)؛ وَ لَا تَهْوَوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران/١٣٩)؛ أَلَا إِنَّ أَوْلِياءَ اللَّهِ لا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ (يونس/٦٢)...
١٣	رجا	وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ ما لا يَرْجُونَ (نساء/١٠٤)؛ وَ الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا (حاقه/١٧)؛ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ ما لا يَرْجُونَ (نساء/١٠٤)؛ وَ آخَرُونَ مُرْجُونَ لَأَمْرِ اللَّهِ (توبه/١٠٦)؛ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ (عنكبوت/٥)...
١٤	خوف	وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى ۚ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِىَ الْمَأْوَى (نازعات/٤٠-٤١)؛ الَّذِينَ يَتَّقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِالطَّلِيلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عِلَاتِيَّةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره/١٧٤)؛ وَ ما تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ (انعام/٤٨)...

ادامه جدول ۲. واژگان استخراجی وجود و روان انسان و نمونه آیات

ردیف	طبقات	نمونه آیات
۱۵	نفس مسوله	وَ كَذَلِكَ سَأَلْتُنِي رَبِّي فَلَمْ أَجِبْكَ أَفَتَحْتُمُونِي لَمْ أَجِبْكَ أَفَتَحْتُمُونِي (طه، آیه ۹۶) قَالَ بَلْ سَأَلْتُنِي لَكُمْ أَفَتَحْتُمُونِي لَمْ أَجِبْكُمْ أَفَتَحْتُمُونِي (یوسف / ۱۸)؛ قَالَ بَلْ سَأَلْتُنِي لَكُمْ أَفَتَحْتُمُونِي لَمْ أَجِبْكُمْ أَفَتَحْتُمُونِي (یوسف / ۸۳).
۱۶	نفس لوامه	وَ لَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (قیامه/۲)؛ يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ (مائدة/۵۴)؛ فَتَقَلَّبُ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَلْحُورًا (اسراء/۳۹)؛ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ (صافات/۱۴۲) و ...
۱۷	اسلام	قَالَتِ الْأَعْرَابُ: آمَنَّا قُلْ: لَمْ نُؤْمِنُوا، وَ لَكِنْ قُولُوا: أَسْلَمْنَا، وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ (حجرات/۱۴)؛ وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران/۸۹)؛ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَ هُوَ يَدْعِي إِلَى الْإِسْلَامِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (صف/۷) ...
۱۸	تسليم	ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (نساء/ ۶۵) إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا (احزاب، ۵۶)؛ وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا (احزاب/۲۲).
۱۹	مسلم	آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ (آل عمران/۵۲)؛ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ... (احزاب/۳۵)؛ إِنَّ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (نحل/۸۱) ...
۲۰	شغاف	امرات العزیز تراود فتاها عن نفسه قد شغفها حيا (یوسف/۳۰)
۲۱	حب	امرات العزیز تراود فتاها عن نفسه قد شغفها حيا (یوسف/۳۰)؛ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَ يَجُودُونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بَمَقَارَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (آل عمران/۱۸۷)؛ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّهِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (نساء/۱۴۸) و ...
۲۲	بغض	بَسْتَمْنَا ائْتَرُوا بِهِ أَنفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا آتَرَكُ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاؤُا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (بقره/۹۰)؛ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ (فاتحه/۷)؛ كَلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلَّلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (طه/ ۸۱) ...
۲۳	تولی	الله ولی الذین آمنوا یدخلهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یدخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون؛ (بقره/ ۲۵۷) إِنَّمَا وَدَّعْتُمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائدة/۵۵) ...
۲۴	تبری	براءة من الله و رسوله الی الذین عاهدتکم من المشرکین ... (توبه/ ۱)؛ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ (توبه/۱۱۴)؛ إِنَّا بَرَأَوْنَا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (ممتحنه/۴)؛ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُوا وَ أَنَا بِرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ (یونس/ ۴۱) و ...
۲۵	شهویره	وَ يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا (نساء/۲۷)؛ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ (اعراف/۸۱)؛ وَ يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا (نساء/۲۷)؛ لَحْمٌ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ (واقعه/ ۲۱) و ...
۲۶	غضبیه	وَ لَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَابَ ... (اعراف/ ۱۵۴)؛ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (شوری/۳۷)؛ لَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِيفًا (اعراف/۱۵۰)؛ وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ (انبیاء/۸۷) ...
۲۷	نفس اماره (نفس مزینه و مسوله)	وَ مَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (یوسف/ ۵۳)

ادامه جدول ۲. واژگان استخراجی وجود و روان انسان و نمونه آیات

ردیف	طبقات	نمونه آیات
۲۸	انسان	إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكْفُورٌ (ابراهيم/۳۵)؛ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (اسراء/۱۱)؛ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْفَرُ شَيْءٍ جَدًّا (كهف/۵۴)؛ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم/۳۹)؛ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا (احقاف/۱۵)؛ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ (حجر/۲۶)؛ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ (نحل/۴) و ...
۲۹	تائیس/ مونس	لا تَدْخُلُوا بُيُوتًا ... حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا (نور/ ۲۷)
۳۰	قلب	وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ (احزاب/ ۵۱). وَ إِنِّي أَعْلَمُ بِمَا تُخْفُونَ مِنِّي إِنَّهُ لَا يَخْفَى عَلَيَّ شَيْءٌ وَ أَنِّي مُبْصِرٌ (نور/۳۷)؛ لَقَدْ ابْتِغَوْا النُّتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَالُوا لَكَ الْآمُورُ نُوْبَهُ (توبه/۴۸)؛ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (شعراء/۲۲۷)؛ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبِكُمْ وَ بُعِدَ ذِكْرُ فَهَىٰ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً (بقره/۷۴)؛ كَتَبَ فِي قُلُوبِكُمُ الْإِيمَانَ (النجم/۱۱) ...
۳۱	ایمان	کتاب فی قلوبکم الايمان (النجم/۱۱). وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّحَ إِيمَانَكُمْ (بقره/۱۴۳)؛ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَجَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ (منافقون/۳)؛ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ (بقره/۱۳)؛ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا مُصَدَقًا (بقره/۴۱) ...
۳۲	کفر	وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ (بقره/۱۵۲)؛ لِيُنَبِّئُوَنِي أَمْ شُكِرْتُمْ أَمْ أَكْفَرْتُمْ (نمل/۴۰)؛ وَ فَعَلْتَ فَعَلْتَكِ الْبِئْسَ الْفَعْلَةُ وَ أَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (شعراء/۱۹)؛ إِنَّهُ لَيْسَ كَقَوْمٍ (هود/ ۹) و ...
۳۳	ربط	«وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (كهف/ ۱۴) ا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران/۲۰۰)؛ لَوْ لَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لَإِتَّكَنَتْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (قصص/ ۱۰) ...
۳۴	رعب	سَنَلْقَىٰ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ (آل عمران/ ۱۵۱)
۳۵	قلب سلیم	أَلَا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (شعراء/ ۸۹). وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً (حديد/۲۷).
۳۶	قلب مریض	فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا (بقره/ ۱۰). حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ (بقره/ ۷). فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ ... (مانده/ ۵۲)؛ اذ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ (انفال/ ۴۹) ..
۳۷	قلب قسی و منیب	فِيمَا نَقُضُوا مِنْهُمَا لَفْتَاحُهَا وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً (مانده/ ۱۳) مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ بِالْغَيْبِ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (ق/ ۳۳).
۳۸	شک	بَلِ ادْرَاكِ عِلْمِهِمْ فِي الْآخِرَةِ بَلٌ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلٌ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ (نمل/ ۶۶)؛ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلٌ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلٌ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابَ (ص/ ۸) ...
۳۹	یقین	وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (بقره/ ۱۱۸)؛ اِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (واقعہ/ ۹۵)؛ وَ إِنَّهُ لِحَقُّ الْيَقِينِ (حاقه/ ۵۱)؛ لَوْ لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (تكاثر/ ۵) ...
۴۰	قوه عقليه	ذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (بقره/ ۲۴۲). ا تَأْتُرُونَ النَّاسَ بِالْبُرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (بقره/ ۴۴)؛ نَ شَرُّ الدُّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُّ الْبُحْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (انفال/ ۲۲) ...
۴۱	قوه فكريه	اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (رعد/ ۳). يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (بقره/ ۲۲۰)؛ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (حشر/ ۲۱) ...
۴۲	نفس ملهمه	وَ نَفْسٍ وَ مَا سِوَاهَا . فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا (شمس/ ۷۸)
۴۳	مؤمن	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا (حجرات/ ۱۵) يُجِيبُوهُ أَذْلَهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْرَبَهُ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (مانده/ ۵۴) وَ اِنَّ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا (حجرات/ ۹) وَ أُخْرَى تُجِيبُونَهَا نَصْرًا مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بُشْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (صف/ ۱۳) و ...

ادامه جدول ۲. واژگان استخراجی وجود و روان انسان و نمونه آیات

ردیف	طبقات	نمونه آیات
۴۴	موقن	رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ (دخان/ ۷) قَالَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ (شعراء/ ۲۴)؛ وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَفُونَ (بقره/ ۱۱۸)...
۴۵	فؤاد	ما كَذَّبَ الْفُؤَادَ مَا رَأَى (نجم/ ۱۱)
۴۶	رؤیت	وَ أَصْحَبِ فُؤَادِ أُمِّ مُوسَىٰ فَأَرَاغَا إِنَّ كَادَتْ لَتُبْدَىٰ بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (قصص/ ۱۰). مُهَيِّطِينَ مُنْعَبِي رُؤْسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْتَدَتْهُمْ حِوَاءُ. (ابراهيم/ ۴۳)؛ لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ - (فتح/ ۲۷)
۴۷	فراغت	وَ أَصْحَبِ فُؤَادِ أُمِّ مُوسَىٰ فَأَرَاغَا إِنَّ كَادَتْ لَتُبْدَىٰ بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (قصص/ ۱۰).
۴۸	اشغال/ هواء	مُهَيِّطِينَ مُنْعَبِي رُؤْسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْتَدَتْهُمْ حِوَاءُ. (ابراهيم/ ۴۳)؛ شَغَلْنَا أَسْوَابًا وَ أَهْلُونا (فتح/ ۱۱)؛ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكْتِهُونِ (يس/ ۵۵)...
۴۹	حق	لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَ يُبْطَلِ الْبَاطِلُ (انفال/ ۸)؛ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّيْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ (بقره/ ۶۱)؛ ثُمَّ رَدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَ هُوَ أَسْرِعُ الْحَاكِمِينَ (انعام/ ۶۲)؛ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقِّ ... (اعراف/ ۱۰۵)؛ ...
۵۰	باطل	لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَ يُبْطَلِ الْبَاطِلُ (انفال/ ۸)؛ فَوَقَّعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (اعراف/ ۱۱۸)؛ لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الَّذِي (بقره/ ۲۶۴)؛ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السُّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ (يونس/ ۸۱)؛ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ (بقره/ ۱۸۸)؛ وَ خَسِيرٌ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (غافر/ ۷۸)...
۵۱	اعمی	إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (نمل/ ۴)؛ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ (فتح/ ۱۷)؛ عَبَسَ وَ تَوَلَّىٰ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ (عبس/ ۲۰)؛ وَ أَمَّا نُمُودٌ فَمَا أَتَانَهُمْ فَاسْتَحْشَبُوا الْأَعْمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ (فصلت/ ۱۷)؛ قَدْ جَاءَكُمْ بِصَابِرٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلْيَنْصِبْهُ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا (انعام/ ۱۰۴)؛ ...
۵۲	ذكريه	فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَ يَعْبُدُ (ق/ ۴۵). لَمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب/ ۲۱)؛ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكَرَةٌ مَقْرَنٌ شَاءَ ذَكَرَهُ (مدثر/ ۵۵)؛ عِبْتُ (عبث/ ۱۲)؛ فَادْكُرُونِي أَدْكُرْكُمْ ... (بقره/ ۱۵۲)؛ فَإِنِّي نَسِيتُ الْخُوتَ وَ مَا أَتَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانَ أَنْ أَدْكُرَهُ ... (كهف/ ۶۳)؛ ذَكُرٌ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَ يَعْبُدُ (ق/ ۴۵)؛ ...
۵۳	لبايه	أَتَقُونَ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ (بقره/ ۱۹۷). وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ (بقره/ ۱۷۹)؛ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ (مائدة/ ۱۰۰؛ طلاق/ ۱۰)؛ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ (يوسف/ ۱۱۱)؛ ...
۵۴	نفس مطمئنه	يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً (فجر/ ۲۷ و ۲۸).
۵۵	ايقاظ/ موقظ	وَ تَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَ هُمْ رُقُودٌ وَ تَقْلِبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ ذَاتَ الشَّمَالِ وَ كَلَّهْمُ بِاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتُ مِنْهُمْ فِرَارًا وَ لَمَلَأْتُ مِنْهُمْ زُجْأً (كهف/ ۱۸).
۵۶	احسان	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِينَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ (نحل/ ۹۰) وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِذَا يَبُلَغْنَ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء/ ۲۳)؛ وَ ...
۵۷	محسن	إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (بقره/ ۱۹۵)؛ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُخْسِنٌ (النساء/ ۱۲۵)؛ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا (احزاب/ ۲۹)؛ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُخْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره/ ۱۱۲)؛ وَ ...

در مرحله دوم نیز با استفاده از تحلیل استقرایی و مطالعه مبانی نظری سند تحول بنیادین و متمرکز بر ساحات تربیتی، اصول محوری اهداف و مؤلفه‌های موردنظر این ساحات در تربیت انسان به سوی حیات طیبه به اختصار در جدول ۳ گردآوری شد:

جدول ۳. اصول محوری ساحات تربیتی سند چشم‌انداز آموزش و پرورش در تربیت انسان به سمت حیات طیبه

اهداف تربیتی	ساحات تربیتی
<p>صرف شناخت آموزه‌های دینی، اصول و فروع دین مطرح نیست، بلکه باور به آنها ارزش است / نظام تعلیم و تربیت با قواعد خاص به دنبال موحدسازی است / این ساحت بر شرح صدر به عنوان یک اصل و حرکت اصلاحی از ظاهر به باطن و حرکت از ظن و شک به اطمینان و یقین و حرکت از انگیزه‌های دنیوی به انگیزه‌های اخروی و از ارزش‌های عام انسانی به ارزش‌های الهی تأکید دارد / پیشگیری را بر درمان مقدم می‌دارد و... (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۹۹ - ۳۰۲).</p>	<p>ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی</p>
<p>ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متریان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند / در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند / فراهم ساختن زمینه خروج متربی از خودمحوری، خودکامگی و استبداد / عزت متربی و جامعه / تأکید بر هویت مشترک / تأکید بر اصل تولی و تبری و ولایت‌پذیری و ظلم‌ستیزی و عدم ظلم‌پذیری / تأکید بر رسالت جهانی و مسئولیت بشری / گسترش عدالت در جهان / مدارا و تحمل و... (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۰۲ - ۳۰۵).</p>	<p>ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی</p>
<p>حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متریان درقبال خود و دیگران و تعامل مستمر روح و بدن / تقویت قوای جسمی و روانی / مبارزه با عوامل ضعف و بیماری / حفاظت از محیط‌زیست و احترام به طبیعت / آموزش متریان درجهت مواجهه با فرصت‌های خطرساز زندگی / ارزش تقوا با توجه به گسترش رفتارهای پرخطر در جهان / توجه هماهنگ و متعادل به ابعاد جسمی، روانی، زیستی، اجتماعی، محیطی و معنوی رشد متریان در تربیت زیستی و بدنی آنها و... (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۰۵ - ۳۰۷).</p>	<p>ساحت تربیت زیستی و بدنی</p>
<p>رشد قوه خیال / پرورش عواطف، احساسات، و ذوق زیبایی‌شناختی متریان / ایجاد توانمندی در متریان در خلق معنا و کشف معنا به معنای توان رمزگذاری در خلق هنر و رمزگردانی در درک و دریافت هنر که نوعی رمزگشایی است / آرامش روانی / زیبایی‌ظاهری / سعه صدر / ارزش‌مداری / احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌هاست و... (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۰۷ - ۳۰۸).</p>	<p>ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری</p>

ادامه جدول ۳. اصول محوری ساحات تربیتی سند چشم‌انداز آموزش و پرورش در تربیت انسان
به سمت حیات طیبه

اهداف تربیتی	ساحات تربیتی
ناظر بر بعد مهم اقتصادی و معیشتی انسان‌ها در جهت رشد توانایی‌های متریبان در تدبیر امر معاش است/ تلاش اقتصادی و حرفه‌ای/ درونی‌سازی ارزش‌های اصیل دینی و اخلاقی در زمینه اقتصادی چون ارزش کار و تلاش/ انصاف و عدالت/ تعاون/ وفای به عهد/ پرهیز از اسراف و تبذیر/ شکل‌گیری الگوی مصرف مبتنی بر نظام معیار اسلامی/ به حساب آوردن نیازهای فردی در مشاغل و حرفه‌ها و... (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۰۹ - ۳۱۰)	ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای
کسب شایستگی‌هایی که مرتببیا را در شناخت و بهره‌گیری و توسعه نتایج متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری کند/ براساس آن بتوانند بینشی ارزش‌مدار نسبت به جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت پیدا کنند/ ایجاد ترکیب نگاه آیه‌ای و ابزارری به طبیعت/ تصرف مسئولانه در طبیعت/ حفظ و مراقبت طبیعت و... (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۱۱ - ۳۱۲)	ساحت تربیت علمی و فناوری

در "نظریه این‌همانی نفس (ذهن)^۱ و بدن" (هیل^۲، ۱۹۹۹: ۷۱) که از جدیدترین نظریات دوران معاصر و البته رایج است؛ همچون سایر نظریات ماتریالیستی، نفس همان ذهن و ذهن همان بدن یا مغز محسوب می‌شود (کارکن بیرق، ۱۳۸۹: ۶۷)؛ علم مطالعه ذهن^۳ و رفتار امروزه روان‌شناسی نام دارد و آن پس از نسخ مکتب ساخت‌گرایی^۴ و کارکردگرایی^۵ بر رفتارگرایی^۶ بنا شد؛ از آنجاکه مکتب کارکردگرایی به شدت اثر گرفته از دیدگاه ویلیام جیمز^۷ و نظریه تکامل داروین بود در سیر نقدها و تکاملش به رفتارگرایی منتهی شد و "از زمان واتسون تاکنون اساساً همه روان‌شناسان رفتار را مطالعه می‌کنند و به همین سبب امروزه تمامی روان‌شناسان معاصر را رفتارگرا می‌دانند" (السون و هرگنهان، ۲۰۰۹؛ ترجمه سیف، ۱۳۹۰: ۸۹). از همین رو، در نقشه انسان در قرآن ردیف نفس را

1. Mind-body identity theory
2. Heil
3. Mind
4. Structuralism
5. Functionalism
6. Behaviorism
7. William James

معادل کارکردگرایی قرار دادیم که تقریباً معادل روان‌شناسی معاصر و نظریه‌های موجود در آن است. اما در بررسی استقرایی واژگان قرآنی، پیش و پس از نفس در وجود انسان طبقاتی به دست آمد که از روند رسیدن انسان به اشکال مختلف نفسانی و سپس محصول و نتیجه آن سخن می‌گفت. روندگرایی^۱ به معنای روند منتهی به یک نتیجه در جهت مدیریت گام‌هایی است که برای یک هدف برداشته می‌شود و نتیجه‌گرایی یا محصول‌گرایی^۲ نیز به معنای نتایج حاصله فارق از روند آن است. این دو دیدگاه که اولی در علم مدیریت شرقی و دومی امری مرسوم در علم مدیریت غرب است (موسی‌خوانی، ۱۳۸۲: ۴۲۱) در مرحله روندگرایی مرتبط با حالات و قوای قلبی است که به تغییرات ذهن یا رفتار که در نقشه به دست آمده، معادل نفوس انسانی در نظر گرفته شد، می‌انجامد و محصول این روند و کارکرد (نفوس یا ذهن) در بالاترین نقطه جدول و در مرحله محصول‌گرایی به انسان مسلم، مؤمن، موقن و محسن ختم می‌شود.

نسبت طبقات براساس این تقسیم‌بندی، مبتنی بر "توسعه" در محور افقی نقشه، "تعالی" در محور عمودی و "رشد" در فرایند برداری می‌باشد که اساس شکل‌گیری ترتیب طبقات در نقشه انسان در قرآن است.

تعالی^۳: "تعالی، موقعیتی است پویا که عوامل موجود در آن به شکل خوب، استثنایی و مطلق وجود دارد و در یک انسان تعالی طلب که خود را در فرایند رشد و تعالی قرار داده به تدریج شکل می‌گیرد، نهادینه می‌شود و ظهور می‌کند" (از گلی، ۱۳۹۱: ۱۵۶). این واژه در قرآن کریم ۱۴ مرتبه از جمله در آیه ۱۹ سوره اعراف آمده است و در لغت به معنای برتر و ترقی است که از دیدگاه قرآن به معنای "بالارفتن انسان و به مراتبی از رشد و کمال روحی دست‌یافتن است که آفریننده هستی با فروفرستادن پیامبران و کتاب به دو شیوه هدایت تکوینی و تشریحی آن را فراهم نموده" (محمدی، علایی‌زاده، محمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۰). مهم‌ترین کاری که در نگاه توحیدی قرآن در پیشرفت و تعالی انسان تأثیر بسیاری دارد و بدون آن تعالی محقق نمی‌شود، دینداری کردن است (خلیلیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۸).

توسعه^۴: در لغت به معنای وسعت‌دادن و فراخ کردن است و دانشمندان علم توسعه بر این امر

1. Deontological
2. Consequentialism
3. Excellence or Transcendence
4. Development

و در مقابل واژه "غی" (رفتن به راه هلاکت و انحراف پیدا کردن از حقیقت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱) ناشی از اعتقاد فاسد و راهی است که انسان را از حقیقت بازمی‌دارد (قرائتی، ۱۳۷۶)، قرار می‌گیرد. "لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ" (بقره/۲۵۶).

بر همین اساس، نخستین مرحله‌ای که قرآن در توصیف ساحت وجودی انسان بیان می‌کند حرث - ذرا است (بقره/۲۰۵؛ مؤمنون/۷۹)؛ که اولی در قرآن به معنای کشت و زن «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ» (بقره/۲۲۳) (زنان شما کشت شمایند هر کجا یا در هر زمان که خواستید بکشت خود در آئید و برای خود پیش‌اندیشی کنید) به کار رفته و در لغت به معنای کشت و دومی به معنای آشکار شدن و در آفریدن به کار می‌رود (ذریه: نسل و فرزندان) (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۶) و پس از آن مرحله رویش و برآمدن (نشأت) آغاز می‌شود (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۲۴). انسان در قرآن با نشأتش آغاز می‌شود (واقعه/۶۲؛ یس/۷۹) و این نشأت از نظر برخی علمای اسلامی "ریشه در آسمان دارد" (علامه حسن‌زاده آملی، ۱۳۴۸ق: ۳۹). قرآن بارها آن را از خاکی مخصوص معرفی می‌کند (تراب) (کهف/۳۷) و پس از آن "خلقت" انسان در بهترین شکل‌ها رقم می‌خورد (ذاریات/۵۶؛ تین/۴) و انسان از همان ابتدا در نیکوترین حالت خلق می‌شود. در آیه مشترک دو سوره ص (آیه ۷۹) و حجر (آیه ۲۹) به این امر و مراحل خلقت اشاره کرده است و می‌فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ» وَ «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (پس آنگاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم بر او به سجده درافتید). پس آنچه خلقت ما را عینیت می‌بخشد، طبیعت انسان است. نخست طبیعت و جسم انسان شکل می‌گیرد و سپس ما به مرحله روح می‌رسیم (سجده/۹-۷) (قرائتی، ۱۳۷۶، ج ۷: ۳۰۴). در این مرحله "ربوبیت مادی" انسان در بخش سویت (سَوَّيْتُهُ از "استواء" به معنای اعتدال و استواری در آفرینش است (قرشی، ۱۳۸۱)) که با "حیوان" مشترک است، به پایان می‌رسد و با دمیده شدن روح، "ربوبیت معنوی" انسان که اساس انسانیت اوست آغاز شده و نرم‌افزار فطرت بر وجود آدمی نصب می‌شود. «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ، ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سجده/۹: آغاز کرد خلقت انسان را از گل، سپس نسل او را از چکیده‌ای از آبی بی‌مقدار کرد و سپس او را انسان تمام عیار نموده و از روح خود در او دمید). علامه طباطبایی (۱۳۷۴) این آیه را نشانه تحول و تکامل دائمی انسان در مسیر رشد و کمال می‌داند. در نگاه قرآنی هدف، شناخت

کیستی انسان است که در نسبت با ابعاد معنوی او تعریف می‌شود و از همان فطرت آغاز می‌شود (روم/۳۰) (مهرابی بهار، ۱۳۸۹: ۵۶).

در وجود انسان، امری نادیدنی وجود دارد که ذهن نامیده می‌شود و حوزه انطباق بین جسم و روح است، اما در وصف انسان در قرآن بارها با واژه قلب مواجه می‌شویم که با واژگانی چون صدر و شغاف و فؤاد نیز آمده است (مهرابی بهار، ۱۳۸۹: ۸۳). قلب در قرآن روح یا همان نفس انسانی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۲۲۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۶۵۴) و دارای ادراکات و احساسات و عواطف است و اختیار و انتخاب نیز در قرآن منسوب به قلب است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۷۷). جوادی آملی قلب را دارای شئون گوناگونی می‌داند که به اعتبارات مختلف؛ اسم‌هایی متفاوتی چون صدر، قلب، فؤاد، نفس و غیره می‌گیرد و حقیقت واحده نفس انسانی درجات طولی متعدد دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۶). صدر لایه اول و محل قرار گرفتن قلب است، و قلب خود شامل دو لایه است که لایه درونی شغاف نام دارد و لایه بیرونی و اولی آن فؤاد (جعفری و هادیان شیرازی، ۱۳۹۵). به این ترتیب این ۴ بخش ساحت وجود انسان را تشکیل می‌دهد که اساس انسان‌شناسی قرآنی است و بر بستر فطرت بنا شده است (بهمنی، ۱۳۹۱) (تصویر ۱).

بر اساس انسان‌شناسی الهی و قرآنی جهت و هدف انسان به سمت تعالی است (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲؛ لسانی فشارکی و زرننگار، ۱۳۸۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۷؛ به نقل از خسروپناه، ۱۳۸۹: ۵۰) و آن به معنای بالارفتن انسان به مراتبی از رشد و کمال روحی است (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۲) که این فرایند رشد و تعالی به تدریج شکل گرفته و نهادینه شده و ظهور می‌کند (ازگلی، ۱۳۹۱: ۱۶۷). بر همین اساس در محور عمودی جدول هریک از ساحات چهارگانه به سمت تعالی از حالات و قوه‌ها و نهایت گذر کرده و سرانجام به غایت خود می‌رسند.

حرکت ساحت وجودی انسان از صدر به سوی فؤاد توسعه وجودی است که بردار این دو حرکت (تعالی و توسعه) رشد او را رقم می‌زند و نقشه انسان در قرآن بر اساس این سه جهت حرکتی رقم می‌خورد. ساحت صدر خود شامل ۴ حالت فرح، حزن، شرح و ضیق است در آیه ۱۲۵ سوره انعام می‌فرماید: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا». ظاهراً مراد قلب است و به اعتبار آنکه قلب در سینه است، صدر آمده (قرشی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۷۸). در اینجا نسبت بین صدر و قلب مشخص می‌شود. حالات منسوب به صدر در قرآن شرح و ضیق و فرح و حزن است (انعام/۱۲۵؛ زمر/۲۲؛ اعراف/۲؛ ناس/۵ و...) قوه وجودی

انسان متأثر از این حالات ذکر شده یا در حالت خوف قرار می‌گیرد یا رجاء. پس از طی این روند در وجود انسان کارکرد او در نهایتش رقم می‌خورد که در صدر نفس مسوله و نفس لواحه است و محصول تعالی این بخش وجودی انسان در غایت وی تسلیم، اسلام و مسلم است؛ چرا که "صدر جایگاه اسلام است" (حاجتی شورکی، نقوی؛ ۱۳۹۶: ۵۰).

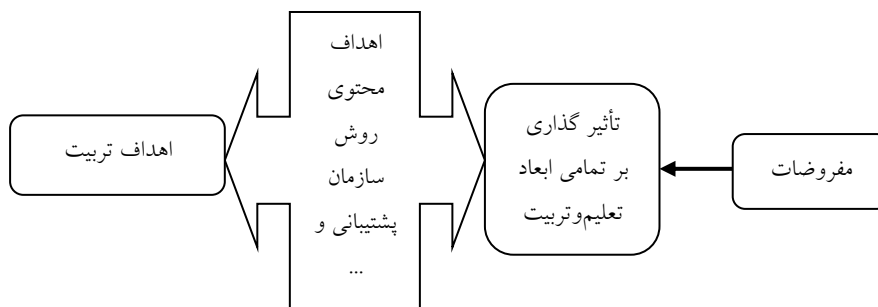
در شغاف ۴ حالت حب، بغض، تولی و تبری (دوستی با دوستان حق و دشمنی با دشمنان حق) (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰) وجود دارد و قوای متأثر از آن شامل شهویه و غضبیه می‌باشد که کارکرد آنها در بخش نهایت نفس مزینه و نفس اماره است. نفس مزینه به همراه نفس مسوله دو بازوی نفس اماره هستند. نفس مزینه اعمال زشت را زینت می‌بخشد (خوانساری، ۱۳۶۶؛ الهی قمشاهی، ۱۳۹۲) و محصول تعالی این ساحت وجودی انسان؛ تأنیس، انسان و مونس است (نسبت به آنچه را که با آن انس گرفته) پس در مرحله شغاف است که انسان به معنای مونس بودن رقم می‌خورد. مقصود از انسان آن جسد ظاهری و صورت ظاهری نیست، چنانکه در بشر مراد است، بلکه باطن و نهاد و استعداد و انسانیت و عواطف او در نظر است، مثل «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» ابراهیم و «وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» اسراء اما آنس: (بضم اول) الفت «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا ... حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا» (نور/۲۷): به خانه دیگران داخل نشوید تا طلب الفت بکنید. میزان گوید: استیناس طلب الفت و سکون است با کاری که باعث الفت شود مثل دخول با تنضح و ذکر خدا (قرشی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۳۱). دو لایه نخست همان‌طور که در تصویر ۲ مشاهده می‌شود، بخش غیرعقلانی انسان محسوب می‌شود که متناسب با بخش ناخودآگاه مورد اشاره در نظریه فروید است.

لایه سوم ساحت وجودی انسان قلب نام دارد که حالات اولیه آن شامل: کفر و ایمان، شک و یقین «كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (انعام/۱۲۵). امام صادق(ع) منظور از رجس را شک تعبیر کرده‌اند و در حدیث مهم جنود عقل و جهل شک را در برابر یقین و از لشگریان نادانی توصیف می‌نمایند (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۹۷). علامه طباطبایی شک را از مصادیق تعبیر «مرض قلبی» در قرآن می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۶۲۰)؛ ربط و رعب، قلب سلیم و مریض یا قسی و منیب است و متأثر از آنها قوای عقلیه و فکریه رقم می‌خورد و کارکرد این ساحت وجودی نفس ملهمه (عاقله) است و محصول تعالی این ساحت وجودی تعقل، تفکر، ایمان، ایقان، مؤمن و موقن می‌باشد؛ چرا که قلب جایگاه ایمان است (حجرات/۱۴).

والاثرین مرتبه توسعه وجودی انسان نیز فؤاد نام دارد که شامل ۶ حالت حق و باطل، فراغت و اشغال/ هواء و رؤیت و اعمی است و منجر به قوای ذکریه و لاییه شده، کارکرد نفس مطمئنه را در نهایت رقم می‌زند و محصول تعالی این بخش وجودی در غایت؛ تذکر، ایقاز، موقظ و احسان و نهایتاً محسن در بردار رشد خواهد بود؛ چراکه "فؤاد جایگاه معرفت است" (حاجتی شورکی، نقوی؛ ۱۳۹۶: ۵۰). دو لایه قلب و فؤاد نیز بخش عقلانی وجود انسان یا به عبارتی انسانیت انسان مبتنی بر وجود غیرمادی و روحانی اوست که عمدتاً در نظریات انسان‌شناسی تجربی نادیده انگاشته می‌شود.

این ترتیب از آن روست که ایمان بر اسلام (حجرات/۱۴) و معرفت (ذاریات/۵۶) از هردوی آنها برتر است و عبادت که هدف خلقت جن و انس ذکر شده در روایات و برخی تفاسیر ناظر به معرفت است (حویزی، ۱۴۱۵ ق؛ به نقل از حاجتی شورکی، نقوی؛ ۱۳۹۶: ۵۰). به این ترتیب قلب به عنوان پربسامدترین واژه در حوزه انسان‌شناسی در قرآن (دلبری، ۱۳۹۵: ۸۲) و لایه‌های چهارگانه و اجزای آن به عنوان نقشه انسان در قرآن معرفی می‌شوند.

کاربرد نقشه انسان در قرآن در ساحات تربیتی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نکته مهمی که در اینجا باید بدان پرداخته شود، نقش مفروضات انسان‌شناسی در تعلیم و تربیت است؛ به این معنا که تمام جنبه‌های تعلیم و تربیت تحت تأثیر پاسخ‌های ارائه شده به سؤالات انسان‌شناسی است و در این میان اهداف تربیتی بیش از سایرین از این امر تأثیر می‌پذیرد (نمودار ۱) (شعبانی ورکی، ۱۳۹۶).



نمودار ۱. اثرگذاری مفروضات انسان‌شناسی (شعبانی ورکی، ۱۳۹۶)

شکوفایی همه خصوصیات ذاتی انسان در سایه تربیت صحیح رخ می‌دهد و تربیت فرایندی است که به انسان اجازه می‌دهد تا کیفیات ذاتی خود را شکوفا کند (امام خمینی؛ به نقل از شعبانی ورکی، ۱۳۹۶). وقتی اهداف تربیتی بر پایه مفروضات انسان‌شناسی باشد پس به‌عنوان مثال فرض انسان‌شناسی آن است که "انسان فطرتاً کنجکاو و جستجوگر است"، پس هدف تربیت "تقویت روحیه کاوشگری در بچه‌ها" خواهد بود یا آن زمان که فرض انسان‌شناسی این باشد که "انسان فطرتاً کمال‌جو و پویاست" هدف تربیت "تقویت روحیه پویندگی در متریان" است (شعبانی ورکی، ۱۳۹۶). در این پژوهش با به‌دست آوردن نقشه انسان در قرآن و اجزای ساختار وجودی انسان با تعاریف قرآنی دقیق آنها و تکیه بر تفاسیر و تحقیقات اسلامی؛ اکنون می‌توان به تبیین اهداف تربیت و درنهایت کاربرد آن مبتنی بر ساحات تربیتی پرداخت. آن زمان که مبتنی بر نقشه انسان در قرآن مفروضه بر آن است که "انسان در مرحله توسعه وجودی باید به لایه قلب برسد و تعقل و تفکر کند"، پس هدف "تقویت تعقل و تفکر در متریان" است و این امر در ساحات تربیتی مبتنی بر "ساحت علم و فناوری است"، اما تا زمانی که تعقل و تفکر تحقق نیابد، اهداف موجود در ساحت علم و فناوری نیز محقق نخواهد شد و یا زمانی که در بردار رشد وجودی در نقشه انسان در قرآن "غایت انسان رسیدن به ایقاز و احسان" است، پس هدف تربیتی "رساندن متریان به ایقاز و احسان" خواهد بود که این امر در ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی محقق می‌شود اما تا آن زمان که متریان در مسیر ایقاز و احسان تربیت نشوند، اهداف ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی نیز محقق نخواهد شد.

همان‌طور که استیونس (۱۹۹۸) بسیاری از امور از جمله روش زندگی را وابسته به تصور ما از ماهیت انسان دانست و چنانچه پیش از این در این پژوهش بیان شد، تصویر تحریف‌شده و مشتت از انسان، اساس بسیاری از آسیب‌های انسان‌مدرن است، بنابراین در گام نخست؛ کاربردی‌شدن ساحات تربیتی وابسته به آن است که هر ساحت تربیتی در ذهن مربی و متربی متکی بر انسان‌شناسی واحد و مستحکم بنا شود. به این ترتیب که جزء یا اجزای مرتبط با ساحت تربیتی مربوطه در ساختار وجودی انسان در قرآن شناسایی شود و پس از آموزش مربیان و متریان در جهت شناخت این اجزا و شکل‌گیری تصویری کامل و واحد از وجود انسان و خود (خودشناسی) به پیگیری اهداف آن ساحت تربیتی پرداخته شود.

به این ترتیب در جهت کاربردی‌کردن ساحات تربیتی مبتنی بر نقشه انسان در قرآن در گام

نخست جایگاه هر ساحات تربیتی و اهداف آن را در نقشه انسان در قرآن خواهیم یافت و سپس چگونگی عملیاتی کردن اهداف ساحات تربیتی را براساس آن جزء از نقشه انسان در قرآن در قالب سه مفهوم ثبات ساختاری، ترتیب تربیت و هدف تربیت که پس از تطبیق ساحات تربیتی با نقشه انسان در قرآن و تحلیل چگونگی کاربردی کردن آنها به دست آمده است، پیشنهاد می‌دهیم.

کاربرد نقشه انسان در قرآن در ساحات تربیتی سیاسی و اجتماعی

براساس آنچه که پیش از این عنوان شد، از جمله اصول اساسی ساحات تربیت اجتماعی - سیاسی، فراهم ساختن زمینه خروج متربی از خودمحوری، خودکامگی و استبداد؛ عزت متربی و جامعه، تأکید بر هویت مشترک و تأکید بر اصل تولی و تبری و ولایت‌پذیری و ظلم‌ستیزی و عدم ظلم‌پذیری، تأکید بر رسالت جهانی و مسئولیت بشری و گسترش عدالت در جهان و مدارا و تحمل است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰). اکنون براساس اصول محوری که در ساحات تربیتی اجتماعی و سیاسی در جدول ۲ آمده است و براساس شناختی که از ساختار وجودی انسان (نقشه انسان در قرآن) داریم، می‌دانیم که لایه شغاف دارای حالات حب و بغض و سپس تولی و تبری است؛ پس این نزدیک‌ترین لایه مرتبط وجود انسان با ساحات اجتماعی و سیاسی است. آنگاه در مرحله دوم برای کاربردی کردن ساحات تربیت اجتماعی و سیاسی مبتنی بر نقشه انسان در قرآن شرط اول آشنایی مربیان و متربیان با لایه شغاف و اجزای مرتبط با آن و ابعاد رشد و تعالی و توسعه آن در ساختار وجودی انسان است. پس آموزش این مرحله و سپس تسلط و مهارت‌آموزی در آن پیش‌نیاز اساسی تحقق ساحات تربیتی سیاسی و اجتماعی است، چه در غیر این صورت اهداف تربیتی علی‌رغم چشم‌انداز متعالی‌اش به شعار و نوشتار محدود شده یا منحرف می‌گردد. اکنون با یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی انسان‌شناسی مربیان و متربیان متمرکز بر لایه شغاف که مرتبط با ساحات تربیتی اجتماعی - سیاسی است، ادراک هر دو گروه نسبت به اصول محوری و مؤلفه‌های مورد نظر در ساحات اجتماعی و سیاسی هماهنگ می‌شود و دیگر هریک از طرفین براساس تصویر متشتت انسان‌شناسی‌های پراکنده ذهن خود ساحات تربیتی اجتماعی - سیاسی و مؤلفه‌های آن را ادراک و تفسیر و بعد اجرایی نمی‌کنند. به این ترتیب تحقق اهداف تربیتی ساحات سیاسی و اجتماعی دست‌یافتنی‌تر است (نمودار ۲).



نمودار ۲. کاربرد نقشه انسان در قرآن در ساحت تربیتی اجتماعی و سیاسی

۱. ثبات ساختار: نقشه انسان در قرآن این اصل را نشان می‌دهد که حب و بغض و تولی و تبری جزو ساختار ثابت وجودی انسان است، پس قابل حذف یا نادیده‌انگاری نیست و آموزش و جهت‌دهی به این حالات وجودی برعهده مربیان است که چنانچه مغفول ماند، مربیان به عواملی که سایر ابزارهای آموزش به آنان می‌آموزاند همچون رسانه یا جامعه؛ حب و بغض و سپس تولی و تبری خواهند ورزید.

۲. ترتیب تربیت: مبتنی بر نقشه انسان در قرآن؛ هر فرد در بردار تعالی نخست باید به امری حب و بغض ورزیده باشد تا به مرحله تولی و تبری برسد. بنابراین، نخست مربیان باید متربیان را با حالات درونی حب و بغض و تفکیک میان آنها آشنا کنند و آموزش دهند تا پس از آن بتوانند تولی و تبری را بیاموزانند.

۳. هدف تربیت: حال که ساختار وجودی انسان به ذات حب و بغض می‌ورزد و حالات تولی و تبری دارد، پس ما می‌خواهیم انسان‌هایی تربیت کنیم که حب و بغضشان مقصدی درست داشته باشد و تبعاً تولی و تبرایشان؛ این یک هدف‌گذاری اساسی است که در هر یک از ساحت‌های تربیتی سند بنیادین آموزش و پرورش بیان شده است. بدون شک مربی تا زمانی که با این حالات وجودی انسان آشنا نباشند و نداند که او درون خود حالتی ثابت به نام حب و بغض دارد و این هیجانات را مبتنی بر تعاریف انسان‌شناسی قرآنی‌شان و نه صرفاً تعریفی روان‌شناختی شناسد و مورد توجه قرار ندهد و نداند که حب و بغض نسبت به هر امر سبب تولی یا تبری جستن نسبت به آن می‌شود، نخواهد توانست ظلم‌ستیزی یا ولایت‌پذیری را خود درونی کرده و به مربیان نیز بیاموزانند. در مرحله بعد مربیان نخست با کمک ابزارهای جاری زندگی چون اشیا یا افراد مهم برای مربیان

همچون ابزارهای موردعلاقه و یا افرادی چون والدین یا معلمان) حب و بغض و ابعاد آن را می‌آموزانند و سپس در مرحله بعد وارد مفاهیم و مضامین شده آنان را با مواردی آشنا می‌کنند که محبوب یا مغضوب است؛ همانند اینکه کودکان و نوجوانان را با بغض داشتن نسبت به رفتارهایی که در مدرسه سبب آسیب به سایرین می‌شود آشنا کنند و برحذر دارند (تبری) تا دانش‌آموزان به‌جای گرایش داشتن به سمت همکلاسی‌های هنجارشکن خود از آنها دوری بجویند و سپس با جهت‌دهی به دانش‌آموزان آنان را نسبت به همسالان و همکلاس‌هایی که به سایرین رفتارهایی یاری‌رسان دارند، سوق دهند (تولی). ادامه مراحل آموزش تدریجی توسط مربیان درنهایت و به‌آسانی متریبان را به سمت ظلم‌ستیزی و عدم ظلم‌پذیری و پذیرفتن تولی و ولایت‌پذیری نسبت به بهترین انسان‌ها سوق خواهد داد و به‌سوی مسئولیت اجتماعی و جهانی می‌کشاند و نظام آموزشی را در این ساحات تربیتی از شعارزدگی که خود یکی از عوامل ایجاد هیجانات منفی در دانش‌آموزان نسبت به واژگان ارزشمند و مقدس است، رها می‌کند.

کاربرد نقشه انسان در قرآن در ساحات تربیتی علمی و فناوری

همان‌طور که گفته شده، ساحات علمی و فناوری به‌دنبال ایجاد بینشی ارزش‌مدار نسبت به جهان هستی و نگاه آیه‌ای و ابزاری به طبیعت در میان متریبان است و این به‌معنای رشد توانمندی افراد جامعه در فهم و درک دانش و ایجاد خلاقیت و نوآوری و درنهایت بینش و تفکر فناورانه در بهبود کیفیت زندگی است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰). مبتنی بر نقشه انسان در قرآن در لایه قلب قوای وجودی انسان شامل دو بخش عقلیه و فکریه است و این قوا در لایه فؤاد توسعه یافته و شامل ذکریه و لبابیه می‌شود. حالات وجودی انسان سالم در لایه قلب در قلب سلیم واقع شده است و از یقین آغاز می‌شود، اما چنانچه حالت شک تسلط یابد در مرحله بعد قلب مریض را خواهیم داشت که از حالات انسانی ناسالم است؛ این حالات در لایه فؤاد شامل حق و سپس فراغت و در نتیجه رؤیت است تا در این تعالی وجودی فرد به مرحله‌ای از حاکمیت خلاقیت ارزش‌مدارانه (رؤیت) دست یابد، اما در صورت آنکه باطل حاکم باشد پس از آن اشغال و سپس اعمی (کوری) حالات وجودی انسان خواهد شد که مبتلا به فقدان بصیرت خواهد شد؛ برای کاربردی کردن ساحات علم و فناوری مبتنی بر نقشه انسان در قرآن باید این موارد را در نظر گرفت:



نمودار ۳. کاربرد نقشه انسان در قرآن در ساحت تربیتی علم و فناوری

۱. ثبات ساختار: نقشه انسان در قرآن این اصل را نشان می‌دهد که ایمان (یقین) و کفر (شک) و قلب سلیم و قلب مریض و حق و باطل؛ فراغت و اشغال/هواء و رؤیت و اعمی جزو حالات ثابت ساختار وجودی انسان است و قوای عقلیه و فکریه و ذکریه و لبایه نیز قوای ثابت ساختار وجودی انسانند، پس قابل حذف یا نادیده‌انگاری نیست و آموزش و جهت‌دهی به این حالات و قوای وجودی برعهده مربیان است که چنانچه مغفول ماند، متریان به عواملی که سایر ابزارهای آموزش به آنان می‌آموزاند همچون رسانه یا جامعه؛ مؤمن یا کافر خواهند شد و قلب آنها مبتلا به بیماری شده به سوی اعمی و باطل و اشغال توسعه خواهد یافت.
۲. ترتیب تربیت: مبتنی بر نقشه انسان در قرآن؛ هر فرد در بردار تعالی نخست باید در لایه قلب حالت ایمان (یقین) را تجربه و از حالت کفر (شک) رها شود تا در مرحله بعد او به قلب سلیم رسیده و از قلب مریض رهایی یابد. در لایه فؤاد نیز همین قاعده پابرجاست و در حالت تعالی مرتبی پس از رسیدن به حق و دور شدن از باطل به سمت حالات فراغت و رؤیت تعالی می‌یابد و این درحالی است که تعالی انسانی که باطل بر او حاکم است به سمت حالت اشغال و اعمی است. به این ترتیب مربیان نخست باید متریان را با این حالات درونی به وسیله ابزارهای گوناگون آموزشی آشنا کنند تا متریان حالات درونی خود را براساس نقشه وجودیشان بشناسند و از یکدیگر تفکیک و سپس در مرحله بعد آنان را با قوای فکریه و عقلیه و ذکریه و لبایه آشنا کنند.
۳. هدف تربیت: حال که ساختار وجودی انسان بالذات دارای حالات و قوای پیش‌گفته است، پس هدف آن است که انسان‌هایی تربیت شوند که قوای فکری و عقلیشان شکوفا شده باشد و نیز

انسان‌هایی که قوای فعال ذکریه و لبایه داشته باشند. به این ترتیب مربیان از ابزارها و روش‌های آموزشی برای این شکوفایی سود می‌برند. از آن جمله "مدارس طبیعت" است که سبب شکوفایی فکر می‌شود و فنون آموزشی فراوان دیگر در رشد توان اندیشیدن و تعقل؛ پس از این مرحله خلاقیت شکوفا می‌شود که در لایه فؤاد است و زمینه برای استحکام لایه فؤاد متریان فراهم خواهد شد.

ساحت تربیت زیستی و بدنی

مبتنی بر جدول ۳ و اصول محوری این ساحت که ناظر بر حفظ سلامت جسم و روان در تمام ابعاد آن و تعامل مستمر روح و بدن است و تقویت قوای جسمی و روانی و مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، آموزش متریان در جهت مواجهه با خطرات در جریان زندگی و ارزش تقوا با توجه به گسترش رفتارهای پرخطر در جهان و توجه هماهنگ و متعادل به ابعاد جسمی، روانی، زیستی، اجتماعی، محیطی و معنوی رشد متریان در تربیت زیستی و بدنی آنهاست؛ براساس نقشه انسان در قرآن گستره وسیعی از مراحل خلقت (حتی پیش از تولد) و کلیت قلب در تمامی ساحات (صدر، شغاف، قلب و فؤاد) و اجزای مرتبط با آن را دربرمی‌گیرد؛ چراکه مبتنی بر مدل نظری «از قلب سلیم تا قلب سالم» سلامت قلب (قلب سلیم) ضامن حفظ سلامت روح و جسم و تعامل مستمر آنهاست (بهرامی احسان و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰). نقشه انسان در قرآن اما اختصاصاً در لایه قلب صاحب حالات "قلب سلیم" و "قلب مریض" است که مبحثی گسترده و البته هنوز ناشناخته در انسان‌شناسی و روان‌شناسی تجربی است. در مجموع این دو اصطلاح در قرآن ۲۶ مرتبه آمده است که اجزای مرتبط با این دو ساختار مانند کفر و ایمان و شک و یقین و ربط و غیره در لایه قلب نقشه انسان در قرآن قابل شناسایی است. اکنون براساس سه گانه:

۱. ثبات ساختار: می‌دانیم که وجود انسان، دارای عضو بسیار مهمی به نام قلب است که می‌تواند مریض یا سالم باشد و مربیان باید با بیماری‌ها و درمان آن و چگونگی حفظ سلامتی آن آشنا باشند. آشنایی مربیان و متریان با ساختار و نحوه عملکرد و بیماری‌ها و سلامت این ساختار تغییرناپذیر و ثابت وجودی انسان پیش‌نیاز عملیاتی کردن ساحت تربیت زیستی - بدنی است.

۲. ترتیب تربیت: براساس نقشه انسان در قرآن می‌دانیم که ایمان و یقین پیش‌نیاز سلامت قلب و کفر و شک پیش‌نیاز بیماری قلب است؛ با شناسایی این ترتیب مربیان می‌دانند که تحقق ساحت تربیتی زیستی و بدنی نخست در گرو تقویت ایمان و یقین در خود و متریان با ابزارها و روش‌های

مناسب و دورکردن خود و متریبان از کفر و شک است و بدون تحقق این پیش‌نیاز رسیدن به سلامت ممکن نخواهد بود.

۳. هدف تربیت: اکنون می‌توان اهداف عینی و کاربردی تربیت را در جهت دستیابی به اهداف ساحت زیستی و بدنی مشخص کرد. براساس نقشه انسان در قرآن، نهایت لایه قلب تقویت قوه عاقله برای رسیدن به غایت مؤمن و موقن است. در این حالت قلب سلیم تحقق می‌یابد که مبتنی بر مدل پیش‌گفته از بهرامی و همکاران ضامن قلب سالم است. پس در این شرایط قطعاً شناسایی عوامل اثرگذار بر سلامت یا مرض قلب و اقدامات متناسب با آن در تربیت متریبان، مبتنی بر اهداف ساحت زیستی و بدنی است.



نمودار ۴. کاربرد نقشه انسان در قرآن در ساحت تربیتی زیستی و بدنی

ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

براساس جدول ۳ گذر از اصول و فروع دینی (ظواهر دین) به ژرفای دین و تربیت انسان موحد و همه‌جانبه‌نگری و جامعیت اصل محوری این ساحت است که در توصیف آن در سند به‌طور مستقیم به بخش‌هایی از اجزای لایه‌های قلب انسان از جمله صدر و شک و یقین‌تولا و تبری اشاره کرده و ضمن محور قراردادن عقلانیت و بصیرت بر بعد عاطفی وجود انسا اشاره شده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۹۹ - ۳۰۲)؛ این امر خود مبین آن است که موحدسازی محقق نمی‌شود، مگر در سایه تعالی و رشد ساختار وجودی انسان که در لایه‌های قلب پایه‌گذاری شده بر

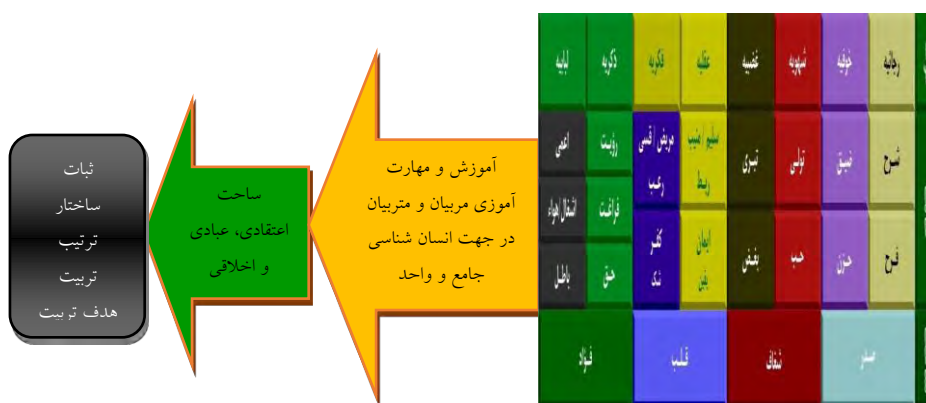
فطرت است. قلب ساختاری است که براساس این پژوهش ۱۶۸ مرتبه و به همراه اجزای آن ۲۴۷۰ مرتبه در قرآن آمده است. شناخت اجزای شکل دهنده ساختار قلب انسان که در تصویری یکپارچه در این پژوهش ارائه شده است، به مریدان کمک می‌کند تا به تربیت آن اجزا پردازند؛ چرا که براساس تعریف ساحت اعتقادی و اخلاقی «اصلاح و تربیت قلب منجر به موحدسازی خواهد شد»؛ اکنون براساس سه گانه:

۱. ثبات ساختار در این ساحت اجزای مختلف لایه‌های چهارگانه صدر، شغاف، قلب و فؤاد را با خود درگیر می‌کند و همین مسئله سبب می‌شود این ساحت را جامع‌ترین ساحت تربیتی بنامیم و برای تحقق این ساحت مریدان و متریدان لازم است با قوای ۸ گانه و همه ساحات لایه‌های وجودی انسان آشنا شوند و درضمن آن مهارت شناسایی این حالات و قوا را در درون خود کسب نمایند؛ همانند اینکه بدانند در لحظه غلبه هیجاناتی مثل خشم و نفرت یا شهوت و عشق، وجودشان از لایه قلب و فؤاد که دارای قوای عاقله و لبایه است فاصله دارد و بنابراین، رفتار و اعمالشان برگرفته از عادت‌ها یا هیجانات است و نه ادراک عمیق عقلی، پس قابل اتکا نیست. گذر از رفتارهای ظاهری یا دینداری‌های ظاهری و رسیدن به عمق تفکر دینی و عملی که هدف اساسی ساحت اعتقادی و عبادی است در درجه نخست، نیازمند شکل‌گیری این خودآگاهی نسبت به ساختارها در مریدان و متریدان است.

۲. ترتیب تربیت در این ساحت منطبق بر ساختار وجودی انسان دارای مراتبی است که نشان‌دهنده ناممکن‌بودن تحقق اهداف متعالی تربیتی در شکل‌گیری معرفت و عقلانیت و تفکر بدون گذر از مراتب پیش‌نیاز، در تقویت ساختار وجودی انسان است. بنابراین، در مسیر تعالی، توسعه و رشد در نقشه انسان در قرآن، نخست باید در لایه صدر و شغاف عواطف و هیجانات متریدان را هدایت و تربیت کرد تا پس از تحقق مرحله تسلیم و مونس در غایت این دو لایه بتوان امورات فکری و عقلانی و عمیق را به آنان آموزد. امری که در سبک تربیتی انسان‌شناسی تجربی به‌خوبی محقق شده است و کودکان و نوجوانان در ابتدا به‌وسیله ابزارهای هیجان‌محوری چون تصویر و موسیقی هدایت می‌شوند و پس از تسخیر شغاف آنها آموزه‌های عقلانی، اخلاقی و اعتقادی برایشان تثبیت می‌شود.

۳. اهداف تربیت: اهداف ریز تربیتی که در نقشه انسان در قرآن متریدان را به سمت هدف اصلی و محوری ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی یعنی موحدسازی پیش می‌برد؛ اکنون با روشن شدن

ساختار و ترتیب تربیتی روشن و ملموس است. اهداف تربیتی تحقق این ساحت در تقویت شرح صدر، هدایت حب و بغض و تولی و تبری، تقویت ایمان و یقین و ربط قلب و ازین بردن شک و کفر و بیماری قلب و در نهایت حق طلب و دوری از باطل و نیز تقویت قوای رجائیه، عقلیه، ذکریه و لبایه است. چگونگی هدایت و تقویت و تضعیف این اجزا نیازمند پژوهش‌های تکمیلی و مفصلی است که در این مجیز نمی‌گنجد.



نمودار ۵. کاربرد نقشه انسان در قرآن در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی

ساحت تربیتی زیبایی شناختی و هنری

براساس جدول ۳ رشد قوه خیال و پرورش عواطف و احساسات و کشف معنا و صعه صدر و احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها از اصول محوری این ساحت است. لایه صدر نخستین ساحت قلب انسان است که از جمله حالات آن شرح صدر یا ضیق صدر است. گسترش لایه صدر (شرح صدر) در برابر یک موضوع سبب صعه صدر خواهد شد که اساس پذیرش نظر مخالف و نیز تفکر واگرا عنوان پایه خلاقیت و در نتیجه خلق اثر هنری است. براساس ساختار وجودی انسان در قرآن مهم‌ترین اجزای اثرگذار در تحقق ساحت تربیتی هنری در «حالات و قوای صدر و شغاف» واقع شده‌اند؛ بر همین اساس:

۱. ثبات ساختار در این ساحت متعلق به دو لایه صدر و شغاف و حالات و قوای آن است که در جدول زیر نشان داده شده است و به این ترتیب تحقق اهداف ساحت تربیتی زیبایی شناختی و

هنری در گرو محاسبه این اجزای ثابت وجودی انسان و هدایت، تربیت و تقویت آنهاست. از همین رو، دلبری (۱۳۹۵) یکی از دلالت‌های مهم تربیتی قلب را زینت‌طلبی و خیرطلبی معرفی می‌کند.

۲. ترتیب تربیت براساس نقشه انسان در قرآن در این ساحت تربیتی در محور توسعه و تعالی به ترتیب نخست متعلق به لایه صدر و ایجاد حالات فرح و شرح و رجائیه و دور کردن متریان از حزن و ضیق و خوف مادی است و سپس تقویت و هدایت حب و بغض و تولی و تبری و شهویه و غضبیه.

۳. اهداف تربیت شامل هدایت، تقویت و تربیت هر یک از اجزای نام‌برده شده در ترتیب تربیت این ساحت، شامل ریزهدف‌ها یا همان گام‌های کوچکتر و ضروری می‌شوند که برای تحقق اهداف اصلی این ساحت تربیتی ضروری است و نقشه راه کاربردی در جهت تحقق آنهاست.



نمودار ۶. کاربرد نقشه انسان در قرآن در ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری

ساحت تربیتی اقتصادی و حرفه‌ای

جدول ۳ اهداف اصولی این ساحت را درعین تقویت اقتصاد همراه با محور قراردادن اصول دینی و اخلاقی توصیف می‌کند، اما این اهداف نیز در صورت عدم آشنایی با ساختار وجودی انسان در بعد غیرمادی‌اش در قالب شعار و نوشتار باقی خواهد ماند. با آشنایی مربیان و متریان با ساحت‌های غیرمادی وجودی خویش در لایه‌های قلب و فؤاد و غایت‌های او در نقشه انسان در قرآن این مطلب روشن خواهد شد که انسان صاحب نیازهای غیرمادی نیز هست که تأمین آنها نیز

خود یک فعالیت اقتصادی است. به این ترتیب، انسان تنها در بعد مادی خود تعریف نمی‌شود که بتوان تنها از خرید و فروش و سود و سرمایه سخن گفت، بلکه بخش غیرمادی ساختار وجودی او صاحب نیازمندی‌هایی است که اقتصاد را برای او به واژگانی متفاوت نیز گسترش می‌دهد. در قرآن از «خسران^۱» (خسارت) و از «بیع^۲» سخن به میان می‌آید. با در نظر گرفتن این اجزای وجودی و نیازهای غیرمادی انسان در کنار نیازهای مادی او؛ اکنون انسان نیازمند تربیتی است که در آن بتواند کالای مورد نیاز مادی و معنوی خود را در سبک زندگی‌اش تأمین کند؛ چرا که در این نگاه «عرصه حیات انسان میدان تجارت است» (جوادی آملی، ۱۳۹۷) و تزریق اصول دینی و اخلاقی در اقتصاد نه یک دستورالعمل محدودکننده، بلکه دستورالعملی در جهت تأمین نیاز فعالین در حوزه اقتصاد است.

۱. ثبات ساختار: قوا و حالات فعال در این ساحت تربیتی چنانچه در حوزه اقتصاد مکاتب مادی تعریف شود؛ آنچنان که امروزه همانند سایر علوم مرتبط با انسان این گونه تعریف می‌شود؛ محدود به دو لایه صدر و شغاف خواهد بود، اما آنچنان که شرح داده شد، اهداف مورد نظر این ساحت تربیتی در حوزه محاسبات غیرمادی نیز ورود می‌کند و در حوزه اقتصاد اسلامی نگاه هم‌زمان مادی و غیرمادی را در محاسبات وارد می‌کند و از همین رو، ساختارهای دولایه قلب و فؤاد در نقشه انسان در قرآن نیز فعال می‌شود.

۲. ترتیب تربیت: تحقق اهداف این ساحت تربیتی در گرو ترتیب هدایت، تربیت و تقویت اجزای ساختار وجودی انسان در قرآن در محورهای توسعه و تعالی است. به این ترتیب نخست لازم است اجزای ساختاری وجود انسان در دو لایه صدر و شغاف چون نفس لوامه، مزینه و اماره در جهت محاسبه سود و زیان هدایت و تربیت شوند و در مرحله بعدی با در نظر گرفتن غایت مؤمن و موفق و محسن (اهداف نهایی وجود انسان)؛ قوه عاقله و مطمئنه در جهت محاسبه فوز عظیم^۳ و دوری از خسران تربیت می‌شوند.

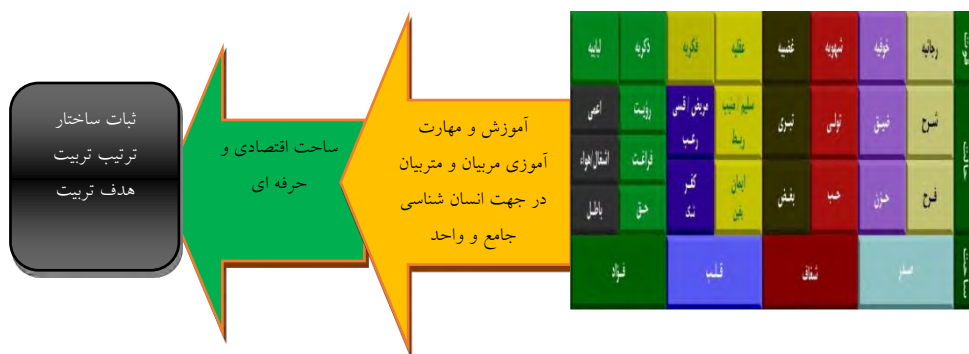
۳. اهداف تربیت: به این ترتیب، اهداف تربیتی در ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای در گرو

۱. سوره عصر، آیه ۲ (در تفسیر این آیات توسط آیت الله جوادی آملی در سوره عصر داریم کسی که با سرمایه های علمی و عملی خود به تجارت با خدا پرداخت و سود نبرد و چیزی نیندوخت و نیاموخت، او به حقیقت اهل خسارت است)

۲. إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدَاللهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ... سوره فتح / آیه ۱۰

۳. این واژه ۲۶ مرتبه در قرآن به کار رفته است از جمله مائده، ۱۱۹؛ النساء ۷۳؛ آل عمران، ۱۸۵...

پیگیری مجدانه اهداف توسعه و تعالی و رشد ساختارهای وجود انسان در لایه‌های وجودی انسان با تطبیق بر مفاهیم عمیق اقتصاد قرآنی چون مفهوم زکات و بیع و خسران و غیره است که پژوهش‌های گسترده و کاربردی می‌طلبد، اما با تغییر مظاهر و واژگان و بخشنامه‌های اداری قابل تحقق نخواهد بود.



نمودار ۷. کاربرد نقشه انسان در قرآن در ساحات تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

بحث و نتیجه‌گیری

هدف نهایی پژوهش فعلی، استخراج اصول کاربردی ساحات تربیتی سند بنیادین آموزش و پرورش باتکیه بر نقشه‌ای یکپارچه و کامل از انسان مبتنی بر منبع وحی قرآن کریم بود. بر همین اساس نقشه‌ای از انسان به دست آمد که از مراحل خلقت آغاز می‌شود و سپس بر بستر فطرت، ساحات ۴ گانه وجودی او شامل صدر، شغاف، قلب و فؤاد رقم می‌خورد و بر بستر ساحات او؛ حالات وجودیش شامل فرح و حزن؛ شرح و ضیق؛ حب و بغض؛ تولی و تبری؛ ایمان و کفر؛ شک و یقین؛ ربط و رعب؛ حق و باطل؛ فراغت و اشغال؛ رؤیت و اعمی قرار می‌گیرد و سپس قوای او شامل رجائیه و خوفیه؛ شهویه و غضبیه؛ عقلیه و فکریه و ذکریه و لبابیه و روی قوای او نهایتش در قالب نفوس مسوله، لوامه، مزینه، اماره، ناطقه و مطمئنه و روی آن غایت او شامل مسلم، مونس، مؤمن، موقن، موقظ و محسن رقم می‌خورد.

به این ترتیب، مهم‌ترین نتیجه مطالعه حاضر چنانچه دغدغه مهم عنوان شده در مبانی سند تحول

بنیادین آموزش و پرورش نیز هست، معرفی ساختاری یکپارچه و چندبعدی (به دلیل تکیه آن بر قرآن) از ساختار وجودی انسان است. در مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) شرط دستیابی به حیات طیبه، تحقق همه ساحات تربیتی در تعامل با یکدیگر معرفی می‌شود که این ساحات براساس ابعاد مختلف وجودی انسان تدوین شده‌اند، اما پیرامون این ساختار و ابعاد وجودی انسان نظریات متعددی ارائه شده که همگی اعتباری و نسبی‌اند و هیچ‌یک جامع و مانع نیست. این فقدان و ناپیدایی "ساختاری جامع و یکپارچه از انسان" سبب می‌شود تا متولیان اجرایی کردن ساحات تربیتی و مربیان و در نتیجه متریان هر یک برداشتی منطبق بر انسان‌شناسی متعلق به خود از ساحات تربیتی و به دنبال آن اجرای کاربردی آن داشته باشند؛ چراکه پیش از این عنوان شد که بسیاری از امور وابسته به شناخت ما نسبت به انسان است. اکنون با نقشه انسان قرآنی معرفی شده و سپس آموزش آن به مربیان و متریان پیش از اجرایی کردن ساحات تربیتی، از درون اوراق سند تحول بنیادین همان خارج خواهد شد که مورد نظر متولیان بوده است و آن همان حرکت به سوی "حیات طیبه" در متریان و ساخت جامعه طراز است. به این ترتیب اساس کاربردی کردن صحیح ساحات تربیتی براساس این پژوهش، تسلط مربیان بر قلب (نقشه انسان در قرآن) و لایه‌ها و شناخت دقیق اجزای آن است تا در نهایت و غایت (صدر، شغاف و قلب و فؤاد) و در انتهای بردار رشد که رسیدن به موقن و موقظ و محسن به عنوان تجمیع همه نیکی‌هاست؛ حیات طیبه را که ناظر بر فلاح و رستگاری و کمال و سعادت و بنا شده بر فطرت انسان‌هاست، تحقق بخشد.

آنچه که نمودارهای ساحات تربیتی آشکار می‌کند، آن است که اهداف موجود در ساحات تربیتی سند بنیادین محقق نخواهد شد تا آن زمان که اجزای ساختار وجودی متریان شناخته نشود و در تعلیم و تربیت به مرحله توسعه و تعالی و رشد او توجه نگردد؛ چراکه متربی که در مرحله توسعه وجودی هنوز در لایه شغاف است، نخواهد توانست تعقلی عمیق و اخلاقی شکوفا (از اهداف ساحت تربیتی علم و فناوری) داشته باشد که در لایه‌های قلب و فؤاد قرار دارد و متربی که حالات و عوامل ایجاد فرح و حزن خود را نشناسد که عامل شرح یا ضیق صدر او شده نخواهد توانست سلامت روان خود را که از اهداف ساحت تربیتی زیستی و بدنی است، تأمین کند. همین‌طور است اهداف ساحت تربیتی اعتقادی؛ که زمانی محقق خواهد شد که متربی در مراحل توسعه وجودی خویش و نیز تعالی به لایه قلب و مرحله مؤمن و موقن رسیده باشد و این امر محقق نمی‌شود، مگر آنکه در امر آموزش متریان را برای دستیابی به صفات مؤمن تربیت کرده باشیم. عدم توجه به

این فرایند سبب می‌شود که علی‌رغم در نظر گرفتن اهدافی ارزشمند در تربیت متریان؛ اما دستاوردی بسیار ضعیف و بعضاً متضاد حاصل شود! امری که طی چهل سال گذشته و در میان جوانان شاهد آن بوده‌ایم که علی‌رغم تربیت در فضاهای آموزشی دینی با اهداف آرمانی امروزه با مشکلات متعددی در هویت دینی و ملی خود دست به گریبانند.

بنابراین اساسی‌ترین ابزاری که نقشه انسان در قرآن در جهت عملیاتی کردن ساحات تربیتی به مربیان و متریان ارائه می‌دهد، نظام معیار است؛ چراکه تحقق ساحات‌های تربیتی نیازمند "نظام معیاری" جامع در جهت سوق دادن متریان به آن سوست که در سند تحول بنیادین بارها از آن به حیات طیبه یاد شده است و کاربرد "نقشه انسان در قرآن" در این جهت بسیار راهگشا و تسهیل‌گر خواهد بود. این همان اصل اساسی است که باقری (۱۳۹۲، ۱۳۹۴) در دو پژوهش جامع با عناوین «مفهوم‌شناسی و کارکردهای هنجار» و «خاستگاه هنجارها در کتب درسی روان‌شناسی بالینی» ضرورت آن را در ایجاد تحول درست در علوم انسانی و آموزش و سپس سلامت روان انسان بیان می‌کند، اما ارائه آن نظام معیار را نیازمند پژوهش‌های آتی برمی‌شمرد. از این رو، پژوهش حاضر با آن همسوست.

اهمیت، اثرگذاری و لزوم انسان‌شناسی منطبق بر منبع و حیانی در اجرایی کردن اهداف تربیتی متعالی در پژوهش‌های بسیاری نشان داده شده است که با نتایج این پژوهش همسو است؛ احمدآبادی (۱۳۹۲) در بررسی جایگاه تعلیم و تربیت اسلامی در علوم انسانی تربیت انسان کامل را ضمن بهره‌گیری از یافته‌های بشری و تجربی به وسیله معارف دینی و آموزه‌های و حیانی ممکن معرفی می‌کند. ماهانی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در بررسی انسان‌شناسی حافظ و دلالت‌های آن در تربیت نشان می‌دهد که اهداف تربیت عرفانی حافظ متناسب با عقاید انسان‌شناسی اوست. در زمینه ساختارهای وجودی انسان در قرآن نیز به شکلی پراکنده و جزء به جزء پژوهش‌های همسویی با نتایج این مقاله ارائه شده است. از آن جمله لسانی و فشارکی (۱۳۸۹) در بررسی معناشناسانه فوز و فلاح دستیابی به آن را همان صفات محسنین معرفی کردند و یا سیدمظهری (۱۳۸۳) و فارسی‌نژاد (۱۳۹۵) بر وجود غایت در طبیعت و انسان صحه گذارند که در لایه نهایی ساختار وجودی انسان در قرآن در این پژوهش آمده است و هادیان شیرازی و جعفری (۱۳۹۵) به بررسی مشتقات واژه‌های قلب، صدر، فؤاد و شغاف پرداختند.

در نهایت اساس قرار گرفتن نقشه انسان در قرآن در اجرای کاربردی ساحات تربیتی سند

آموزش و پرورش موجب خواهد شد خطاهای شناختی و محتوایی و حتی ادبیاتی در اجرای این ساحات به حداقل ممکن کاهش یابد؛ چراکه نبود یک نقشه یکپارچه با مشخص بودن اجزای وجودی انسان به عنوان پایه تصمیمات تربیتی سبب می‌شود که ناخواسته و ناخودآگاه قانون‌گذاران و مجریان با همان مفاهیم جاری تربیتی رایج ناشی از ده‌ها سال حاکمیت تربیت غیرایرانی و غیراسلامی دست به گریبان شوند و یا از واژگان نگارش شده در سند آموزش و پرورش برداشتی مبتنی بر آموزه‌های رایج داشته باشند و این دقیقاً سم مهلکی بر بدنه سندی با آن آرمان‌های متعالی است. چارچوب شناختی فارغ‌التحصیلان کلیه رشته‌های علوم انسانی و تجربی و غیره چنانچه پیش از این عنوان شد، بر انسان‌شناسی مادی و حیوانی بنا شده است و این آسیب و بحرانی است که در صورت عدم هوشیاری و انجام‌اندادن کارهای بنیادین در اجرای آرمان‌های متعالی به این زودی‌ها رفع نخواهد شد.

منابع

- آقابخش، علی (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی تهران، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۲)، تحلیل کیفی متن: استقرا/ قیاس، دوفصلنامه پژوهشی مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی، ش ۱: ۸۳-۱۰۲.
- انواری، جعفر (۱۳۹۴)، اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن با بررسی و نقد ادله نسخ تلاوت، فصلنامه حسنا، ۷ (۲۵): ۳۹-۶۲.
- الهی قمشه‌ای، حسین (۱۳۷۷)، قرآن کریم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- الهی قمشه‌ای، حسین (۱۳۹۲)، در قلمرو زرین (۳۶۵ روز با ادبیات انگلیسی)، تهران: انتشارات سخن، چاپ ششم.
- ازگلی، محمد (۱۳۹۱)، درآمدی بر گونه‌شناسی و تعریف تعالی منابع انسانی در برخی از مکتب‌های بشری، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، س ۴، ش ۱۸۱: ۲-۱۵۱.
- اخترشهر، علی (۱۳۸۷)، توسعه در غرب و اسلام، مجله معرفت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ش ۱۲۴: ۱۸۱-۱۶۱.
- اخوت، احمدرضا (۱۳۹۷)، تبیین عناصر ساختار وجودی انسان، نشر فردا، چاپ ۶، تهران.
- اژه‌ای، جواد (۱۳۸۵)، انسان قرآن از دیدگاه فردی و اجتماعی، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۳: ۲۳-۱.
- السون، متیو اچ و هرگنهان، بی.آر (۲۰۰۹)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف (۱۳۹۰)، تهران: نشر دوران، ویراست هشتم.

- ایمانی، محسن و کرامتی، معصومه (۱۳۸۶)، تبیین و نقد نظریه انسان برتر نیچه و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۷ (۲)، ۱۰۵ - ۱۲۲.
- باقری، خسرو (۱۳۸۳)، مبانی متافیزیکی اندیشه اسلامی بنیانی برای تکوین نظریه‌های روان‌شناختی، *مجله دانشور رفتار*، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۱ (۷).
- باقری، فریبرز (۱۳۹۱)، نقش مفهوم غایت‌مندی در تعیین ملاک‌های ناپهنجاری در روان‌شناسی، *مجله ذهن*، ش ۵۰: ۵۱ - ۸۵.
- باقری، فریبرز (۱۳۹۲)، مفهوم‌شناسی و کارکردهای هنجار، *مجله علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۲ (۳): ۷۰ - ۵۱.
- باقری، فریبرز (۱۳۹۴)، خاستگاه هنجارها در کتب درسی روان‌شناسی بالینی، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ش ۳۳: ۱ - ۲۸.
- برقی، احمدین محمدین خالد (۱۳۷۱)، *المحاسن*، قم: نشر دارالکتاب الاسلامیه، چ دوم، ج ۱.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، *ترجمه کامل المنجد الابدی*، ترجمه رضا مهیار، تهران: نشر اسلامی، چ دوم.
- بالراغب الاصفهانی (۵۰۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، المحقق: صفوان عدنان الداودی (۱۴۱۲ق)، بیروت: الناشر: دارالقلم، الدار الشامیه، الطبعه الاولى.
- بوئزه، ماریو و آردیلا، روبین (۱۹۴۴)، *فلسفه روان‌شناسی*، ترجمه زارعان و همکاران (۱۳۸۸). پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ اول، قم.
- بهرامی احسان، هادی؛ امجدیان، محی‌الدین؛ رستمی، رضا و واحدی، سیامک (۱۳۹۷)، ارائه مدل نظری مداخله درمانی براساس آموزه‌های اسلامی، *مجله دین و سلامت*، ۶ (۲): ۴۰ - ۵۲.
- بهمنی، فرزانه (۱۳۹۱)، *نسبت دل در ادب فارسی با صدر، شغاف، قلب و فؤاد در قرآن کریم*، تهران: اندیشکده یقین، ویراست دوم.
- جعفری، محسن و هادیان شیرازی، عبدالرسول (۱۳۹۵)، بررسی مشتقات واژه‌های قلب، صدر، فؤاد و شغاف در قرآن و اثرات اعتقادی و عملی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷)، *تفسیر تستیم*، جلد (۱ تا ۴۶)، قم: نشر اسراء، چ آخر.
- حاجتی شورکی، سیدمحمد و نقوی، حسین (۱۳۹۶)، تحلیل واژگانی روح، نفس، قلب، فؤاد و صدر در قرآن، *مجله قرآن‌شناخت*، ۱۰ (۲): ۳۷ - ۵۴.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۴۹)، *تازیانه سلوک تنظیم: سیدمحمد ناظر نقوی* (۱۳۸۷)، قم: نشر قدیانی.
- خسروپناه، عبدالحسین و میرزایی، رضا (۱۳۸۹)، *چیستی انسان‌شناسی، مجله انسان‌پژوهی دینی*، دوره ۷، ش ۲۴: ۳۵ - ۶۳.
- خسروی حسینی، غلامرضا (۱۳۸۳)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، تهران: نشر مرتضوی، چ سوم، ج ۱ و ۲.

- خجسته، سعید؛ شریعتمداری، علی و نادری، عزت‌الله (۱۳۹۳)، بررسی مبانی انسان‌شناسی از منظر سهروردی و استنتاج‌های تربیتی مترتب با آن برای بهبود اهداف نظام آموزش و پرورش ایران، فصلنامه ارزش‌شناسی در آموزش، ۱۱(۱): ۷-۲۷.
- خلیلیان، محمدجمال؛ جوشقانی نائینی، سیدحمید؛ عسکری، قاسم و بیدار، محمد (۱۳۹۲)، مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، معرفت اقتصاد اسلامی، س چهارم، ش ۲: ۱۰۲-۷۷.
- دلبری، سیدمحمد (۱۳۹۵)، دلالت‌های تربیتی معناشناسی «قلب» در قرآن کریم، **دوفصلنامه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن**، (۵) ۹، ۸۱-۱۰۶.
- ربر، آرتور اس (۱۹۹۵)، **فرهنگ روان‌شناسی توصیفی**، ترجمه یوسف کریمی و همکاران (۱۳۹۰)، تهران: انتشارات رشد، چ اول.
- ساربان، حمیده؛ عیسی مراد، ابوالقاسم و طیبی، زهرا (۱۳۹۲)، ارتباط نگرش‌های تربیتی والدین با ابعاد سلامت روانی و اجتماعی، **مجله روان‌شناسی مدرسه**، ۲ (۳)، اردیبهشت: ۹۷-۱۲۴.
- سیدمظهری، منیره (۱۳۸۳)، مطالعه ای تطبیقی درباره غایت‌مندی عالم طبیعت در کلام اهل سنت و فلسفه اسلامی، **مجله برهان و عرفان**، ش ۴: ۱۲۰-۹۵.
- شولتز، دوان. پی و شولتز، سیدنی الن (۱۹۹۶)، **تاریخ روان‌شناسی نوین**، ترجمه علی‌اکبر سیف و دیگران (۱۳۸۹)، تهران: انتشارات دوران، چ نهم.
- شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۹۶)، انسان‌شناسی و کاربرد آن در تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، پرتال امام خمینی.
- صرفی، زهرا (۱۳۹۸)، تبیین انسجام محتوایی سوره لقمان با روش تحلیل محتوای کیفی، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، تهران: ۸۳-۱۱۲.
- طالبی، محمدحسین (۱۳۹۵)، حقیقت انسان از منظر عقل و وحی، **دوفصلنامه انسان‌پژوهی دینی**، س ۱۳، ش ۳۶: ۱۹۶-۱۷۷.
- طباطبایی، علامه سیدمحمدحسین (۱۳۵۰)، **تفسیر المیزان**، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی (۱۳۷۴)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عبداللهی، کبری و امری، مرضیه (۱۳۹۰)، بررسی مقایسه‌ای انسان‌شناسی از دیدگاه قرآن و اومانیزم، مطالعات تطبیقی حقوق بشر، س ۱، ش ۱.
- فارسی‌نژاد، علی‌رضا (۱۳۹۵)، هدف‌داری آفرینش از منظر قرآن کریم و حکمت متعالیه، **مجله عقل و دین**، دوره ۸، ش ۱۵: ۱۲۰-۹۱.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۷۷)، ساختار انسان‌شناسی قرآنی، **مجله پژوهش‌های قرآنی**، ش ۱۶.
- فولادی، محمد و حیدریان، کیومرث (۱۳۹۵)، بررسی و مقایسه مبانی فلسفی اندیشه‌های تربیتی فارابی و غزالی، **مجله معرفت**، ۲۵ (۲۲۸): ۵۳-۷۰.

- قرشی، علی اکبر (۱۳۸۱)، قاموس قرآن، دارالکتاب الاسلامیه، چاپ نهم، ج ۱ - ۴.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۶)، تفسیر نور، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کازرونی، سیدمصطفی (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی انسان‌شناسی قرآنی با انسان‌شناسی غربی با توجه به مبانی اعتقادی شیعه، فصلنامه تخصصی تفسیر علوم قرآن و حدیث، ش ۲۵: ۲۱۱ - ۱۷۰.
- کارکن بیرق، حبیب (۱۳۸۹)، این‌همانی (ذهن) و بدن و مسئله کیفیات ذهنی، مجله ذهن، ش ۴۱، قم: ۶۷ - ۸۹.
- کریمیان، علی (۱۳۹۴)، بررسی وجوه اضلال انسان از حیوان در دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۲۳، ۱۲۳ - ۱۴۰.
- کیایی، زهرا؛ باقری، فریبرز و آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای سخنان امام علی (ع) به لحاظ اهداف تغییر در رفتار و روان انسان، مجله اسلام و روان‌شناسی، ش ۱۳، قم: ۹۵ - ۱۱۸.
- کیایی، زهرا؛ باقری، فریبرز و ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۹)، مقایسه تصویر انسان از منظر پلاتونیک و شوارتز و تطبیق آن با نقشه انسان در قرآن، پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران.
- کوهن، توماس (۱۹۷۰)، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه سعید زیباکلام (۱۳۸۹)، تهران: انتشارات سمت.
- کرمعلیان، حسن و حسینی، سیدعلی اکبر (۱۳۸۳)، عناصر تربیتی انسان طبیعی و آرمانی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، فصلنامه اندیشه دینی، ش ۱۱: ۶۱ - ۷۶.
- گلرسر، ویلیام (۲۰۱۰)، مدرسه کیفی، ترجمه علی صاحبی (۱۳۹۳)، تهران: انتشارات سایه سخن.
- لسانی فشارکی، محمدعلی و زرنگار، مصطفی (۱۳۸۹)، بررسی معناشناسانه فوز و فلاح در قرآن کریم، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، س ۱، ش ۸: ۷۴ - ۵۱.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش: ۲۹۴ - ۳۰۴.
- متقی، زهره و نجفی، محمد (۱۳۹۳)، چهارچوب نظام تعلیم و تربیت در انسان‌شناسی براساس اندیشه‌های علامه محمدتقی جعفری، مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، (۱)۶: ۶۹ - ۹۴.
- مزیدی، محمد و شیخ‌الاسلامی، راضیه (۱۳۸۸)، مبانی وجودشناسی و انسان‌شناسی روش‌های تربیتی انسان از دیدگاه قرآن و سیره پیامبر اعظم (ص)، مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۱ (۱).
- محمدی، ابوالفضل؛ غلابی‌زاده، محمود و محمدی، مهدی (۱۳۹۲)، بررسی پایه‌های نظری تعالی فرد در سازمان از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه مدیریت اسلامی، س ۲۳، ش ۴: ۱۳۳ - ۱۵۳.
- مددی ماهانی، محمدرضا؛ علوی، سیدحمیدرضا؛ صرفی، محمدرضا و یاری دهنوی، مراد (۱۳۹۶)، انسان‌شناسی حافظ و دلالت‌های آن در تربیت، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶ (۳۸): ۵ - ۲۷.
- مدرس آشتیانی، مهدی (۱۳۹۰)، تعلیق و منظومه حکمت سبزواری، قم: نشر المؤتمر العلامه الآشتیانی، زهیر، ج ۱، ج ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹)، سجاده‌های سلوک، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ج ۱۰.
- مهرابی بهار، علی (۱۳۸۹)، دکترین ملی سلامت جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۴، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- میبدی، احمدبن محمد (۱۳۷۳)، تفسیر ادبی عرفانی کشف الاسرار، تهران: انتشارات اقبال، ج نهم، ج ۲.
- موسی‌خوانی، محمد (۱۳۸۲)، نظارت و کنترل با کدام رویکرد؟ روندگرایی یا تجربه‌گرایی، مجموعه مقالات نخستین همایش نظارت و بازرسی: ۴۱۹ - ۴۳۲.
- محمدی پویا، فرامرز؛ صالحی، اکبر و مومیوند، فاطمه (۱۳۹۴)، تحلیل محتوای نهج‌البلاغه براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۳ (۱۰): ۶۳ - ۸۱.
- نر، جورج (بی‌تا)، انسان‌شناسی تربیتی، ترجمه محمدرضا آهنچیان و یحیی قانلی (۱۳۷۹)، تهران: آبیژ.
- ناصری، ناصر؛ ترکشوند، سینا و محمدی پویا، فرامرز (۱۳۹۵)، تحلیل محتوای منطق‌الطیر براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۸ (۳۱): ۱۸۷ - ۲۱۲.
- نیلی احمدآبادی، محمدرضا (۱۳۹۲)، جایگاه تعلیم و تربیت اسلامی در علوم انسانی، مجله پژوهشنامه انتقادی، ۱۳ (۲۷): ۱۷۱ - ۱۸۶.
- وجدانی، فاطمه و ایمانی، محسن (۱۳۹۲)، تحلیل مفهوم "رشد" باتکیه بر آیات قرآن کریم، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰ (۱۶): ۳۵ - ۱۱.
- وفایی، رضا؛ فضل‌اللهی قمشی، سیف‌الله و طالعی فرد، احمد (۱۳۹۶)، بررسی میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۲ (۲): ۱۳۱ - ۱۵۴.
- Baumeister, Roy F (2005). **The Cultural Animal: Human Nature, Meaning, and Social Life**. Oxford university. New York.
- Brown, Donald E (2002). Human nature and history. **History and theory**. Wesleyan University, Vol 40, p:138-157.
- Dortier, Jean-francois (2012). **L,homme cet estrange animal**. Edition Sciences humaines Auxerre cedex.
- Ember, Carol R., Ember, Melvin (2004); **Encyclopedia of Medical Anthropology**, New York: KluwerAcademic/Plenum Publishers, p 3.
- Freud, Sigmund (1963). **General psychological theory**. New York: published by Simon & Schuster.
- Heil, John (1999). **Philosophy of Mind**. London and New yourk: Routledge.
- Glasser W (1999). **Choice Theory : A New Psychology of Personal Freedom**. HarperCollins Publishers Inc. New York.
- Lakatos, I (1970). **Falsification and the methodology of scientific research programs**. Criticism and the Growth of Knowledge. Cambridge University Press.
- Mayr, E (2004). **What makes biology unique?** Cambridge university press. Pp:83-97.
- Maslow, A. H. (1943). A theory of human motivation. **Psychological Review**, vol,50. No 4, 370-396.

- A Companion to Experimental Philosophy, First Edition. Edited by Justin Sytsma and Wesley Buckwalter. © 2016 John Wiley & Sons, Ltd. Published 2016 by John Wiley & Sons, Ltd.
- Stevenson, Leslie. L Haberman, David (1998). **The theories of human nature**. New York: Oxford University Press. Third edition.
- Stenmark, Mikael (2012). Theories of Human Nature: Key Issue. Blackwell publishing. Uppsala. 543-558
- Stich, Stephen P (2016). **Could man be an irrational animal?**. Synthese, Naturalistic Epistemology. Vol. 64, No . 1. pp: 115-135.
- Schwartz, shalom H at all (2012). Refining the theory of basic individual values. **Journal of personality and social psychology**. Vol103.No 4.p 663-688.
- Watson, Richard (2010). **Future Files A Brief History of the Next 50 Years**. London: Nicholas, Brealey.
- Vidal, C. (2008). **Wat is een wereldbeeld? (What is a worldview?)**, in Van Belle, H. & Van der Veken, J., Editors, Nieuwheid denken. De wetenschappen en het creatieve aspect van de werkelijkheid, in press. Acco, Leuven.

